

➤ ایضاً ➤

(از بوشهر)

اوضاع شیراز را مختلف مینویسند منجمه خط يك از صادقین را که بخود بنده نوشته در جوف ملاحظه فرمائید که چقدر دل میخواهد که طفل مرده را سوراخ کنند و بسوزاند که فرض با عدلیه دارد، اصل مطلب این است که از اول ورود شیخ الملک و احداث عدلیه قوامیا راضی نبوده و در شکست او بودند، تا آنکه چند نفر از بچه تاجر ها منجمه پسر حاجی میرزا محمد حسین پسر حاجی میرزا کریم صراف که با قوامیا مربوط است و یک نفر از اقوام نزدیک قوامیا شب مجلس داشته، و هشت نفر بوده و هشت فاحشه هم داشته‌اند، نظمی و عدلیه خبر میشوند میروند آنها را گرفتند چند نفر آنها برشوه دادن میگریزند این دو نفر گرفتار شده عدلیه آنها را به پایه بست حد میزند این مسئله بیشتر اسباب انزجار عموم خاصه آنها که همیشه صاحب حکم و تمسند بوده میشود در صدد يك صدمه بزرگی بودند تا کار بانجا میکشد که کلیه عدلیه فارت وبسته و حکومت نظامی و حاجت آنها روا میشود، اصل اساس این فتنه بزرگ همین بوده و بس

ملاحظه فرمائید یهودی مرکز چیزهای قیمتی و نفیسه را در خانه آشکارا نمی گذارد خاصه جواهرات که همرا در چندین جیبی و پلاس و قوطی محفوظ و زیر خاک پنهان میکند، حال که این اتفاق افتاده آنچه از طلا آلات و جواهرات آروی از مسلمانان پیش این ها بوده میگویند همه فارت رفته، (بقولی حقیقاً هرار تومات جواهر مال خود قوامیا گرو بود)، اما در اینجا بیکان بنده اینهم يك پلتمیک حضرات باشد که مال خود مانهم تلف شده برای آنکه بی کم کنند،

هر حال فعلاً میگویند یهودی در شیراز خیلی تسلط تر از سابق شده و کسی نمی تواند بلند بانها حرف بزند، در واقع بودن این طایفه در شیراز يك ضرر بزرگی است به اهالی، چرا که آنچه دزدی میشود جیباً در محله یهود فرو میرود، بسا هست که حواله بانصد تومان را برده دزد به پنج تومان میفروشد و دزد بدبخت بچند ملاحظه نمی تواند یکلی حرف بزند، اگر وضعی میشد بکلی اینها

از شهر خارج میشدند و این کثافت از شهر دور میشد فوز عظیمی بود اینهم که نمی شود چه در دوات مشروطه مردم آزاد هستند

از طهران از وزارت داخله تلگراف رسیده که وقتی شجاع الممالک نایب الحکومه بوشهر و علی اکبر خان وادش فراش باشی بود و میر وکت گریخت باید تحقیقات شود که جهة فرارش چه بود و چرا او را درست حفظ نکرده اند، حالا شیخ ناصر خان نایب الحکومه حالیه رقه دعوت برای رؤساء ادارات و سایرین فرستاده که روز سه شنبه ۱۹ ذیقعد قبل از ظهر در مقر حکومت مجلس استعاضای حضرات است که هر کس هر چه میشنود تصدیق خود را بنویسد و معلوم نیست چه شود

واقعات و شایعات کنونی بوشهر همگی دلالت دارند بر سلاست و سکوت و تطاول، جناب سردار حکمران و اینکه شجاع الممالک از مدب شجاعی مخلوع و بحایه ایشان مسعود الممالک به سرپرستی تویجیان ساخلو بوشهر نامزد گشته تلگراف حضرت وزیر جنگ شاهد این مدعا است

(۱۶) ذیقعد صاحب منصب و تویجیان طایفه ابوالوردی بموجب حکم تلگرافی سرپرستی تویجیان با آقای مسعود الممالک است، آقای مسعود الممالک را ریاست خود دانسته اطاعت امر او را داشته باشید) (وزیر جنگ)

➤ ایضاً ➤

تلگرافی از وزارت جلیله داخله بعنوان دریایی رسیده که تنگتارا که جزو فارس است ضمیمه ابواب جمعی شها کردیم که انتظام کمرکات را متحمل شویم عجب هنگامه غریبی در طهران و مقام کابینه و وزارت و عجب سست اعتقادی محیر العقولی در افراد ملت است که هیئت وزرا چنان دانسته‌اند که دریایی منتظم بنادر است، و ملت همچو فهمیده‌اند که با بودن این حکمران در بنادر از دست برد اجانب سالم است، لا والله از برکت این وجود محترم هیچ نموده مگر آنکه قطعه بنادر از ایران مجزی گردد

➤ اخبارات خارجه ➤

۵) مخبر (روتر) از (سنگاپور) خبر میدهد که مسوده قانونی برای اجرای عوارض بردخل سالیانه

«تلگرافات»

(۲۴ نومبر - ۲۱ ذيقعدہ)

§ از (ریتو) تلگرافی از سفارت خانه (برازیل) رسیده که خلاصیان جهاز زره پوش (منیاس گیریس) بلوا نموده و کپتان و سه افسر را قتل کرده چه آنها شهریه را زیاد و کارها را کم میخواستند. از آن و بعد خلاصیان جهاز زره پوش (سوپولو) نیز تاسی با آنها بسته و هردو جهاز بر شهر (ریتو) تهدید و چند توپ شلیک نمودند. این عدد پلندیکی نیست و حکومت در تدارک است که هردو جهاز مذکور بدون جنگ تسلیم شوند جمیع قشون مطیع و شهر امن است

(۲۵ نومبر - ۲۲ ذيقعدہ)

§ رئیس جمهوری (وائیز) رسماً اشاعت کرده که بلوا فصول و بیهوده بوده و غداران شکست خورده. فعلاً (مکسیکو) امن است. (مید برو) سردار افلاسیون (مکسیکو) در (گرو) بین جنگ از اسب افتاده مجروح شده قشونش او را بردند. از آن و بعد بلوائیان همه عقب نشستند.

§ مخبر (روتر) از (ریتودی چینیرو) خبر میدهد که بعد از قتل سه افسر بقیه افسران در ساحل پیاده شده و خلاصیان بر چهار دسته جهازات قابض و بعد با تلگراف بی سیم جهت تحصیل جمیع حقوق به رئیس جمهور خبر فرستاده از نیافتن جواب بر لنگرگاه تمام شب بفاصله های قلیل شلیک نموده علی الصبح از وسط دریا بر قلمه کلوله باری کرده باز در خلیج آمده چند توپ بر شهر حالی کردند. شمس ملی آنها هنوز دارند در مسئله عفو آنها بحث میکنند

§ مخبر (روتر) از (ریتودی چینیرو) خبر میدهد که (کانگریس) تحریک عفو مجرمین را منظور نمود و باغیان تسلیم شدند. حکومت شکایات آنها را درباره سزای جسمانی و ازدیاد شهریه منظور کرد از این و بعد در خدمت به آنها تخفیف داده خواهد شد

§ مخبر (روتر) از [پکن] خبر میدهد که مجلس ملی متفقاً تحریکی را امضا نموده که در ترک تریاک اقدامات لازمه شود و عهدنامه جدیدی با دولت انگلیس درین باره بسته نشود

پیش شده تا جا خالی کی فروش تریاک را برکنند
§ دو (بویلا) واقع مکسیکو اعتشاشی ظالم و خلاف (دائید) شده در مجلسی بلیس مداخلت کرده زنی بریکی از افسر بلیس شلیک و هلاکش نموده است. در شارع عام جنگ در پیوست و قرب (۱۰۰) نفر هلاک و فوج بمدد طلبیده شد. قشون مخالفین را گرفتار کرده در جای محصور می بند نموده بسیاری از زنان هم شامل یا مردان بودند

§ در اغلب اماکن (مکسیکو) بلوا بالا گرفته. در دو جا باغیان غالب و تلگرافخانه را قابض گردیده اند § وضع (نوی بند) بسیار خوفناک بنظر می آید جمعیت کثیری دو میدان جمع. قشون هم در قرب و جوار فرام شده

§ در (مکسیکو) تحت الحکم (مادارو) بلوای سختی شده (مادارو) خواستگار ریاست بود. اغلب شهرها قبضه باغیان در آمده. مخبرات بالمره مسدود است. § در (توریون) واقع (مکسیکو) جنگ سختی شده بلوائیان در اغلب مقامات غالب و خیلی از سپاهیان را قتل و گریختار نموده اند. اتلاف نفوس زیاد شده از بریدن راه آهن حصه جنوبی از دارالسلطنت متصل و بلوا کسب همومیت نموده است

§ در مجلس اعیان انگلستان (لارد لندون) تحریکاتی پیش نمود که بین مجلسین رفع کدورت شود § تلگرافی در کارخانه (پرو) واقع لندن رسیده که جهازات جنگی (برازیل) بلوا کرده و بر (ریتودی چینیرو) شلیک نمودند. مهندسین (پرو) که همراه جهازات رفته بودند سلامت اند

§ جریده (طمس) از سفارت (برازیل) تلگرافی یافته که عدد جهازات جنگی غیر پلندیکی است. خلاصیان جهازات جنگی (ریتودی چینیرو) برخلاف افسران یابی شده و حکومت اسداد بظاوت می باید. تلگراف غیر رسمی در لندن رسیده که کارها در برازیل مسدود و بجای نازک رسیده است

§ مخبر (روتر) از (ریتودی چینیرو) خبر میدهد که اکثر جهازات جنگی در ۲۲ نومبر یابی شده. این عدد غیر پلندیکی معلوم می شود. در مخبرات مشاغل زیاد پیش آمده است § مجلس اعیان انگلستان بودجه را امضا نمود

(۲۶ نومبر - ۲۳ ذیحجه)

§ مخبر (روتر) از (ویانه) خبر میدهد که رساله حکمی جاری شده که هر جهازیکه در ساحل جبل طارق یا (عدن) عبور نماید باید دارای آله تلگراف بی سیم باشد

§ بعد از بحث‌های زیاد که قریب بود منجر بمصادله شود مجلس ملی (برازیل) تحریک عنو محرمین را منظور نمود . باغیان با تلگراف بی سیم پیغام داده . جهت تسلیم گرفتن جهازات مامورین وهیبار اند - افسران جدید برای جهازات مقرر شده اند

(۲۴ دی قنده - ۲۷ نومبر)

§ (رینودی جینیرو) امن است ، مخبر (روتر) از آجا خبر میدهد که باغیان جهازات دریدنات را تسلیم نموده و افسران جدید عهده های خویش را اختیار کردند

(۲۵ ذی قنده - ۲۸ نومبر)

§ اعلیحضرت پادشاه انگلستان امروز عودت به لندن و افتتاح شورائی و ابدال پارلمان را نمودند . امروز عصر پادشاه در پارلمان نطق فرمود از وزرا فقط (مستر چرچیل) حاضر بود ، ضمن نطق خود اظهار داشتند که این اولین نطقی است که بعد از انتقال بدر خویش می‌کنیم ، تسلیمت از هر جا رسید و تشفی قلبم را نمود ، امیدوارم که قدم بقدم با مسلك بدرم رفتار نمایم ، روابط ما با دول خارجه مستحکم است . مسئله شالی بحر اتلانیک صید ماهی بذریعه نائی تصنیف یافته ، در آخر از اینکه پارلمان مسوده قانون نایب‌السلطنکی و (دیکرلیشن) را امضا داشته تشکر نمودند

§ در پارلمان بعد از نطقهای وکلاء پادشاه انگلستان اعلان فرمود که پارلمان را منفصل نمودم و پارلمان جدید ۳۱ جنوری منقذ خواهد شد ، این اعلان در دفتر خانه شاهی فرستاده شد و از آجا احکام انتخابات جاری گردید

§ تلگرافی از (عدن) رسید که (ملای سومالی) ده دعوات را از قبائل متحده نهب و غارت کرد و زنان و اطفال و مواشی را بمعیت خود برد (۲۶ ذی قنده - ۲۹ نومبر)

§ بموجب تلگراف اسلابول در مجلس ملی بر خریداری جهازات جنگی از آلمان نکته جینی شده که این جهازات قابل جنگ نیست و دولت در این باره خیل عجلت نموده ، رئیس الوزرا جواب داد

که دولت خواست جنگ ندارد فقط منظور آن خریداری این جهازات محاطت نادر بود

← تلگرافات روتر راجع به ایران ←

(۲۰ نومبر - ۲۶ ذیحجه)

§ بموجب تلگراف روتر طوفان شدیدی در دریای خزر واقع فرودگاهی که سی صد نفر ایرانی بروی او توقف داشته غرق و ده جهازات نیز نابود گردیده اند

(اول دسمبر - ۲۷ ذیحجه)

§ مسیو (وزینتوف) وکیل دوما که برای پیش نمودن مجوز راه آهن قفقاز هند از ایران برای تحصیل همراهی انگلیسان بلندن آمده بود به پترسبرگ مراجعت می نماید ، در ضمن حرکات خود اظهار امیدواری نموده است از قبول مجوز راه آهن و تأیید انگلیسان

(۲ دسمبر ۲۸ ذیحجه)

§ مسیو (امیر یازیف) که يك از اعضای شورایی امپراطوری روس و مرید این راه آهن است وارد لندن گردیده در ضمن بیانات خود بوقایع نگاری اظهار داشته است که اوضاع کنونی ایران فعلاً اجازه نمیدهد هیچ گونه مباحثه در خصوص مجوز راه آهن پیش شود و این هم ظاهر است که وزارت انگلستان تا ماه فروری مهلت توجه باین مسئله پیدا نخواهد نمود ، قبل از آنکه داخل در مباحثات این راه آهن بشویم لازم است که رضایت دولت انگلیس و روس را تحصیل نموده باشیم و بدو باید يك کیسیون خاص تشکیل شود که در جزئیات این مسئله بحث نموده و کلیه امور لازمه را تحقیق نماید . و تصفیه سرمایه و نفع و نقصان او نیز باید بشود ، همچنین ضمانت در تأیید حکومت لازم است تا بتوان از سرمایه داران فرانس و آلمان علاوه بر انگلیس و روس هم تأیید حاصل نمود ، و قبل از آنکه يك کپانی بین المللی داده شود بسیاری از امور مهمه دیگر هم هست که تصفیه اش لازم میباشد

← جبل المن ←

اینک که طشت مقاصد دولتین از بام اوقناده برای آحدی جای شبهه باقی نگذارد که تمام فشار های همسایگان و تضییقات ماله که برای ایران فراهم نموده اند و کابنه گریه و نصایبهای پلنگی در حصول امتیاز راه آهن در منطقه نفوذ خودشان بوده است ، قشون روس که يك و نیم سال متجاوز است بدون هیچ

سبب مقولی تجویز و صحت انگلیس تا ایندرجه
 ایرانیان را در زحمت انداخته فقط بجهت تحصیل
 امتیاز راه آهن است، و تا وقتی که این طعمه لذیذ
 در جلو چشم گرگان حریص باقی باشد همین آتش
 مان در کاسه خواهد بود، بهترین راه نجات و چاره
 ایرانیان این است که به اسرع وقت خودشان اساس
 يك كپانی بین المللی را برای تعمیر راه آهن گذارند
 عملاً نه (قولاً) سعی وافی در پیشرفت آن نمایند و
 بدو از روی ادله فنی ثابت نمایند که آن خطی
 را که دولتمین مدنظر گرفته اند بولتیکی و به اصول
 اقتصادی نافع نیست و در مقابل آن خطهای چند
 که به اصول اقتصاد و فن نافع باشد پیشنهاد نموده
 در اجامش بکوشند و بدانند و یقین کنند که هرگاه
 خودشان سعی در این امر نمایند دیگران جتق نموده
 (چنانچه نموده اند) این ماده الحیات را از چنگ آنان
 خواهند ربود و حتماً ایقان نمایند که هرگاه راه آهن
 مجوزة دولتمین از شمال جنوب انجام گرفت تقسیم
 جغرافیائی ایران شکل تاریخی پیدا خواهد کرد بعبارت
 ساده تر تجویز این خط راه آهن در معنی اقدام
 قطعی بتقسیم ایران است

امروزه ایرانیان به ابراز اندک همتی میتوانند
 این طعمه لذیذ را از جلو گرگان حریص همسایه
 بردارند و خویشان را از تشار و تضییقات پلنسیکی
 دولتمین برهانند، جناب صنیع الدوله که امروزه وزیر
 عالیة ما است از سائر ایرانیان داخلی هم واقف تر
 به این نکته و هم شائق تر از دیگران دیده می شوند
 بر حسب تجویز ارباب فن یانزده میلیون لیرا برای
 تعمیر شعبات راه های آهن مفیده ایران کافی تصور
 می شود، و هرگاه يك ثلث از این سرمایه را ایرانیان
 بین خود جمع آوری نمایند، بذریعه کبسیون مخصوص
 ها و نقشه های فنی و فرستادن شان به اروپا می
 توانند دو ثلث دیگر سرمایه را در متهای سهولت
 بدست آرند، خصوصاً در صورتیکه دولت ضمانت
 خساره راه های آهن بین المللی ایران را بنماید بشکلی
 که غنایان از راه آهن بتداد نموده اند، هرگاه
 جناب صنیع الدوله و شاهزاده عین الدوله و شاهزاده
 فرمانفرما من غیر رسم و شاهزاده ظل السلطان و
 مشیر الدوله و ارباب جمشید و خسرو شاهجهان و
 برادران و تومانیاس و ملک التجار اصفهان و حاجی
 عبدالرحمن کیانی فارس و ده نفر دیگر از ارباب
 ثروت و صاحبان اعتبار و اعتماد نزد ملت مؤسین
 این راه آهن بین المللی شوند و هر يك دو بیست و
 پنجاه هزار لیره ذمه گیرند ثلث سرمایه این راه
 آهن مهیا تواند گردید و هیچ لازم نیست که

خودشان به تنهایی این هویست و پنجاه هزار لیره را
 ماه گذارند بلکه می توانند از سائرین این مبلغ
 مذکور را تهیه کنند پس از اطمینان جمع شدن ثلث
 سرمایه با نقشه های فنی و بحث در جزئیات و کلیات
 آن کبسیونی از ارباب فن به برلن و پاریس و
 پترسبرگ و لندن و امریکا و غیره کسبل داشته بقیه
 سرمایه را از صاحب نروتان اروپا جلب خواهند نمود
 این نکته هم ایرانیان را از فشار همسایگان خارج میکند
 و هم استقلال و آزادی آن را محفوظ میدارد و
 هم رقابت دول مرتفع و بهانه آنان زائل میگردد
 (۳۰ ذیقعدہ - ۳ دسمبر)

§ مخبر روتر از اسلامبول خبر میدهد که در مجلس
 شورا، رئیس الوزرای عثمانی ضمن نطق خود اظهار
 داشت که منبای جزیره کریت بین دولتمین عثمانی و
 یونان دوستانه تعلقات جاری است

§ منبای ایران اظهار داشت که عثمانی هیچگونه
 مائل نیست که سرحدات ایران را شامل
 خاک خود نماید، ولی چون خود را در ایران
 دارای حقوق میداند سعی است که ایران يك دولت
 قوی بشود - در خصوص یاد داشت دولت انگلیس
 بایران بیان نموده که غلط فهمی ای که در مفهوم این
 یاد داشت پیش آمده بود بیانات اخیر دولت انگلیس
 رفع نموده و ظاهر داشته است که علت آن اقدامات
 را سبب چه بوده

§ پس از بیانات ایشان وکلای مسلمان و غیر مسلمان
 در این موضوع مباحثات علنی نمود و آشکارا
 مسلک دولت عثمانی را که توفیق پاشا بیان نموده بود
 نا پسندیده گفتند

اعلام

شخصی که خبر صحیح بدهد که منجر به دستگیری
 شخص یا اشخاصی گردد که نوت ده رویه که
 نمره های ذیل درج است جعل نموده هزار رویه
 انعام باو داده خواهد - نمره نوت های جعلی که
 همه تاریخ ۱۲ می سنه ۱۹۰۳ عیسوی را دارد
 اینست -

1. P. A/63 -	34694	} Variants of P. A/63 Series
2. R. A/72 -	40350	
3. V. A/17 -	54211	
4. V. A/21 -	66218	
5. V. A/35 -	49408	

يك هزار رویه دیگر علاوه بر آنچه بالا ذکر
 شده انعام داده خواهد شد اگر کسی خبری برساند
 که منجر به دست آوردن اصل آن (قالب پلیت) ها
 که از روی آن این نوت های جعلی چاپ شده است گردد
 اف - ال - هلیدی کلکته
 کشر پلیس
 ۲۸ نومبر سنه ۱۹۱۰

(حبل المتین کلکتہ)
مدیکل کالج نصرت نمبر ۴

HAHLUL MATIN OFFICE
4, MEDICAL COLLEGE STREET
CALCUTTA.

ولا حل اخذ ابرو بدون قبض ندارند و تا وقت که
(مشرقین را قبض مخصوص سال هیچدم دست نباشد)
(ذمہ شان بری شناخته نمیشود)

نامه مقدسه

(قیمت اشتراك)

سالانه — شش ماهه

(هند و برمه)

(۱۲ روپيه — ۷ روپيه)

(ايران و افغانستان)

(۴۰ قران — ۲۰ قران)

(عمانی و مصر)

(۵ مجیدی — ۳ مجیدی)

(اروپا و چین)

(۳۰ فرنك — ۱۶ فرنك)

(روس و تركستان)

(۱۰ منات — ۶ منات)

المتین

سنة ۱۳۱۱

مراسلات مخصوصی بدون امضای

(معروف اداره درج نمیشود)

(کلیه امور اداره با)

(مدیر کل مؤیدالاسلام است)

(هر دوشنبه طبع)

(و سه شنبه توزیع میشود)

(یوم دو شنبه)

(۹ ذالحجه ۱۳۲۸ هجری)

(مصادف با)

(۱۲ دسمبر ۱۹۱۰ میلادی)

در این جریده از هرگونه اخبار و وقایع سیاسی و منافع دولتی و فواید ملی بحث میشود
(مقالات عام المنفعه مقبول و در انتشارش اداره آزادست)

تمدن امروزی

باتفاق جمهور دانایان مایه حیات استقلاله يك ملت هما ترك مرعوبیت و ابراز حیيات ملی است. اقدامات سیاسی دول دروغلبه و فتح بريك ملت و يك مملکت مبنی باصول اقتصاد است. اگر ترنسوال داوای آن همه ثروت و معادن زرخیز نبود دولت انگلیس دویت ملیون لیرا و صد هزار نفوس بقیمت آن نمی داد. هر مملکت که زرخیزتر است متمدین طماع بیشتر قبضه آن توجه می نمایند و هرملت که جوان و مرعوب باشد زودتر باسارت وی اقدام میشود. حالا ایرانیان قدر و قیمت مملکت خود را سنجیده درجه توجه همسایگان طماع را نسبت بخود استنباط نموده و بدانند و ایقان کنند که هر قدر در مقابل اجحافات همسایگان سرفرود آورده مرعوبیت اختیار نمایند زودتر طعمه گرگان حریص تمدن نما خواهند گردید. اگر دیگران ندانند یا اغراض کنند ما خود میدانیم که اجحاف و زیادتی همسایگان نسبت ایران مبنی بردعای کاذبه که می نویسند نیست. بلکه گر برده برداشته شود آشکارا خواهد گردید که باوز همسایگان بوطن محبوب ما نیست مگر زرخیزی حسن موقعیکه ایران در عوالم سیاسی و اقتصادی یا دارد. و جور نمود آنها را مگر مرعوبیت بی حسی ایرانیان و هیچ چیز جلو جبارت سایگان را نتواند گرفت جز ابراز حیيات ملی ترك مرعوبیت پروتست های ملی ایران در تجاوزات همسایگان

جسور وفقی اثرات صحیح تواند بخشید که ایرانیان حداً ترك مرعوبیت گفته بر مقابل همسایگان بمخوق خواهی برخواسته فدیة جان را در مقابل اسارت و رفیت اجاب ترجیح دهند. ایرانیان یقین بدانند که نوع خواهی و ترویج تمدن در ملل و دول اروپا بآن معنی که تصور کرده اند غلط و اسی است بلا مسمی و امیدواری بدیگران بند اسارت خود را محکم ساختن است. درست باید دقت نمود که کدام يك از دول متمدنه اروپا به عاجز کشی و ضعیف جزائی صفحه تمدن خودشان را لکه دار نموده اند. در کدام موقع دول متمدنه و ملل نوع خواه اروپا بفریاد يك ملت ضعیف ناتوانی که در بجه تحاربت و ظلم يك دولت قوی گرفتار بوده رسیده اند؛ هنوز کلیه الحاق لمن غلب در عوالم تمدن امروزی حکم فرماست. کدام دولت بفریاد مظلومین (قتلند) رسیده؟ کدام ملت نوع خواه باستئناة اهالی کوریا توجه کرد؟ امروز علامت تمدن قوت است و بس. و آثار وحشیت و بربریت ضعف است و بی اقتداری. درست است که در مسئله مراکو شمیر آلمان قطع عروق حرسیه فرانس را نمود. ولی بملاحظه منافع خویش بود نه تمدن خواهی. بقای استقلال افغانستان را نمود مگر قوای جنکی و حیثیت از خود گذشتگی. اگر بدقت ملاحظه شود و در متون تاریخ غور نمائیم خواهیم دید که آنچه آواز های تمدن اروپا آواز دهل است که

ای غفلت زده‌گان مانند ابراهیم حکم الالائی را رد، تاریخ مینماید که روزی نگذشته و ماهی فته است که یک ملتی از این ملل متمدن ع خواه بحق استقلال یک ملت ضعیف محسوس و بختن خون هزاران نفوس و غارت اموال آنان قیام وده است، و اگر معنی تمدن باصول امروزه شود جز این نتوان گفت، «کسب قوای قاهره جمع آلات قتاله برای محو استقلال اقوام ضعیف محسوس و غارت اموال موروثه آنان»

ایرانیان وقتی جالب توجه ملل متعمده اروپا نوانند گردید که حیثیات ملی خود را ابراز داده دارای قوای قاهره بشوند که در مقابل اجحافات آنان «که از اثرات تمدن جدید بشماراست» نتوانند ایستاد، پروتست ملی ما وقتی بدول بیطرف از همسایگان متجاوز اثر تواند بخشید که در عقب آن پروتست ها حیثیات ملی ابراز داده بندا کاری برخیزیم. وره پروتست های خشک و خالی ما اثری جز مزید حسارت متجاوزین نتواند بخشید، ایرانیان تصور نمایند که دول بیگانه برای استقلال ما باسب محافظه تمدن بمقابل یکدیگر بایستند مگروفتیکه منافع خویش را درخطر بینند آن هم برای سع خویش است به حایه از تمدن، امروزه در تمدن اروپا قومیکه در محافظه حقوق ملی خود و مدافعه متجاوزین از مدیه جان دریغ نماید ولو عالم ترین اقوام و متمدن ترین ملل باشد وحشی و بربری وقابل همدردیش می شمارد دایلی واضح تر از این نیست که اهالی (فنلند) در علم، صنعت، تمدن، تربیت و... و... همسر بلکه برتر از غالب ملل اروپا بایند و چون استقلال ملی شانرا روسیان مضحک ساختند ایل به تمام ملل متمدنه و دول روی زمین نموده غالباً حواصی که یافتند این بود « بدون شك اهالی (فنلند) دارای علم و تربیت هستند ولی چون دارایی حسن جان بازی بستند نمی توانند حاضر به شرارت استقلال مانند از این رو وحشی ترین اقوام و ملل (یعنی روسیان) که دارای قوه قاهره میباشند حق حاکمیت شان بر آنها ثابت است» اهالی (فنلند) و کوریا خیل بیشتر از ایرانیان پروتست ملل و دول متمدنه عالم نمودند نتیجه اش ظامر و لازم به بیان نیست، ولی افغانان همینکه مملکت خودشانرا را لکه کوب سم ستور بیگانه دیدند لب بسته و بازو گشادند نه پروتست کردند و نه اظهار عجز و لابه و دعوی تمدن، شمشیر بدست گرفته خصم را رند، استقلال خویش را حفظ کردند

هرگاه بنا بود که قانون بین المللی و تمدن عصر حاضر مانع از تجاوز قوی دستار باشد هیچ لازم نبود که دول متمدن قوی بجه از خوف حمله یکدیگر همه روزه بر قوای بری و بحری خود افزوده تحمیلات فوق العاده بملت خویش نمایند. ایرانیان هم اگر استقلال مید و اعتمدند - از اسارت و عبودیت اجانب میترسند - اسلام برستند، ماموس خواهند - سعادت و شرف تاریخی خودرا محفوظ می خواهند - مایلند که در عداد ملل متمدنه بشمار آیند - باید همان طریقی را که امروزه رایج متمدنین است اختیار نمایند - و ابدآ شبهه نمایند که متجاوزین محقوق آنها قبل از تجاوز مستعد هرگونه مدافعات پستی و غیره شده اند نهایت بی حسی ایرانیان راه را برای آنها صاف نموده و نفاق داخلی اهالی راه نهای شان بسرمزل مقصود گردیده، در این صورت پروتست خشک و خالی که عقبه آن حیثیات ملی و فداکاری دیده نشود قوت قلب آنها را زیاد و جایگاه خویش را مستحکم تر می بینند - پروتست برای آن است که انجام حجتی شده هرگاه دولت متجاوز از تجاوزات خویش باز نیاید بهوه قاهره علیه متجاوز را پیش پای خود بنشانند - بموجب اعلاماتی که ما رسیده از غالب بلاد ایران پروتست به مجاورات همسایگان و ایل بهوالم تمدن شده است - حالا تکلیف ایرانیان پس از این پروتست ها و ایل ها چیست « ایرانیان پس از این ایل و پروتست ها اگر ساکت بشینند و منتظر باشند که دیگران برای حفظ حقوق آنان شمشیر بدست گرفته مدافعه نمایند بقیه بدانند که استقلال آمان خانه پذیرفته و صدائی در حایه آنان از عوالم تمدن بلند نخواهد شد، ولی هرگاه در عقب آن پروتست ها ابراز حیثیات ملی دهند ترک نفاق گفته اتحاد پیشه کنند و در حفظ حقوق خویش بفاکاری برخیزند، هم متجاوزین بجای خود نشسته دست از تجاوز می کشند و هم یک صدا ملل متمدنه را به واداری خود برمی انگیزند، شرکت در جرکه متمدنین منحصر به فداکاری است، و هر قوم و ملتی که بفاکاری حاضر نشود و دعوی تمدن کند متمدنین عالم هرگز صدق و مؤید او نخواهند گردید

درست باید دقت نمود که در ایام فداکاری غیرت مندانه آذربایجان تا چه اندازه ایران توجه عوالم تمدن را معطوف بخود ساخت و حریت خواهان

طام چگونه شرکت خود را در فداکاری با آنان فیض عظیم می شمردند، جان بازی اقوام بیگانه در راه آزادی ملت دیگر خصوص اروپائی در حق آسیائی و مسیحی درباره مسلمان امری کوچک نبود، و اگر چندی دیگر در فداکاری استقامت میورزیدند فوج فوج و گروه گروه از تمدنین اروپا در طلبانه فداکاری برخاسته رهسپار ایران می شدند. ولی بد بختانه از وقتی که ایرانیان در مقابل دخات های مسلحه روس بی حسی اختیار نموده و مرعوبیت ناموضوع را با سم نزاکت شناسی سیاسی بر جسم خود آراستند صدای احدی همدردی آنان بلند نگردید، و یقین بدانند که اگر دوا این بحسی در زیر سم ستور متجاوزین جاب بدهند نفس احدی همدردیشان بیرون نخواهد آمد. بلکه زبان بی شانت کشوده خواهند گفت « این است سزای ملت بحس دروغ زن که بدروغ دعوی تمدن نموده بوده، شاهد این قول همانا عناوینی است که جرائد اروپا در حق اهالی کوریا و قتلند میگویند و می نویسند. پس اگر ایرانیان در دعوی تمدن خواهی صادق و حب استقلال را بر اغراض فاسده شخصیه ترجیح میدهند باید پس از این ایل ها و پروتست ها بلادرنک حبیب ملیه ابراز داده مواد ذیل را پای بند شوند

(۱) رفع اختلافات داخلی و اتحاد قومی و ترک اغراض شخصی در حفظ استقلال وطن اسلامی - و این نیز صورت به بندد جز اینکه هیئت از سرداران ملی بتأید رؤسای روحانی سلسله جنیبات چنین اتحادی گردند

(۲) جداً ترک استعمال امتعه روس و معامله و ملازمت و مراوده و مخابرات ملی را با کلیه روسیان نمایند و هر ازیک افراد ایرانی که تمرد از این اتحاد ملی نماید سری یا علنی او را از ملیت دور و اگر متنبه نگردید از حیات نکینش مهجور دارند -

(۳) بدون درنگ جمیع طبقات ایرانی از ایلاتی و شهری، عالم و تاجر، شاهزاده و گدا زاده، دو طلبانه نحت سلاح آمده به مشق نظامی پردازند و این اقدام بدواً باید از مقام منبع رباست روحانی اسلام و هیئت مقدسه علمیه و طلاب محترم آغاز شده تا طبقات سافه هیچگونه عذر ومانی نتراشند، و یقین بدانند که اگر چنین اقدامی شود و ایلات که اولاد بی لوث این خاکند در حفظ استقلال وطن همدست و متحد گردند و سایر طبقات از تأییدات مالی

و جان آنان باز نیابند هیچ دولت قوی بجه قادر بر آن نخواهد گردید که صدمه استقلال آنان وارد آورده و یا در مقابل چنین هیجان مقدس ملی ایستادگی نماید، انگلیسان صکه خیلی هوشیارند سهل است روسیان با آن خشونت و وحشت هم هرگز تحمل چنین خساره بیفایده را بر خود نخواهند پسندید ایران اگر خدای نخواستہ استقلال خویش را بیازد فقط از بی حسی و تبلی و نفاق اهالی است ورنه جمعیت حفظ استقلال بقسی که برای ایرانیان مهیاست کتر ملتی را مهیا بوده است

درست اگر دقت شود ایران هیچ چیز خود را نباخته است جز شجاعت و جوان مردی را که موروثه آنان بوده و آنچه بر سر ایرانیان از تجاوز همایگان می آید نتیجه حیات و مرعوبیت آنان است.

از بدو مشروطیت تا کنون جمیع طبقات ایران قافه را باخته ترك فعالیت گفته بلناطی های خشک و خالی خواسته اند خویشان را در جرکه مردمان با حس فدا کار در آورد، ایرانیان راست که صرف نظر از تمام نهایشات ظاهری نموده اساس تمدن صکه قوای عسکری است ولو بتزک کلیه مصارف نمایند باشد قائم و برقرار دارند - شایسته مقام امروزه ایران این بوده و هست که دوپست هزار فشون دفتری را پای دار ساخته با اصلاحات ضروریه و فوریه آن کوشیده بتأید رؤسای غیور و وطنخواه ایلات عده بر قوای دولت افزوده با اصول مشق اجباری و قشون ملی فوجی چند هم بوضع نظام اروپا برای سرمشق سایر افواج ترتیب داده هم متجاسرین داخلی را زهر چشم گرفته وهم متجاوزین خارجی را پیش پای خود نشانند دو آن صورت هم دعوی تمدنشان صحیح است و هم ادعاییکه بهوالم تمدن در تأیید خویش مینمایند ثابت و قبول می گردد و هم هیئات ائتلافیه و اتقافیه سیاسی در جلب آنان بدائره خود سعی نموده و تشکیل يك رقابت بزرگی داده می شود تا در آن ضمن نقایص خودشان را بتدریج تکمیل نمایند گمان نداریم هرگاه از روی وطن خواهی بدون حیث و میل باین اصول رفتار شود چندان بر مصارف دولت افزوده گردد و بر فرض هم که مصارف مان زیاد شود گمان نمیرود که احدی از ایرانیان از طام و جاهل تاجر و کاسب دوادایه کمی اینگونه مصارف تقلل نماید باین اصول نه خلی دوامت واقع میگردد نه بهانه بدست اجانب می افتد

(۴) تشکیل اتحاد سیاسی با جمیع ملل اسلامی و سایر دولتی که استقلال ایران سیاست و تجارت آنان نفع رسان باشد مانند آستریا، بلژیک، هولاند، آمریکا، آلمان و غیره و این نکته را نباید فراموش کرد که ملل سائره غیر از مسلمانان در صورتی با ما متحد و همراه خواهند شد نفع خویش را بینند، پس ما باید به آستریا و آلمان و غیره آنقدر منافع بچشمیم که محض حفظ منافع خودشان حامی استقلال ما گردند.

اگر ایرانیان همین ارکان اربابه را بای بند گردند بقین بدانند که اتحاد روس و انگلیس هیچ زیان بآنان نتواند رساند و هرگاه خدای بخواسته ملک دیرین خود را که سرعوبیت است از دست ندیم اینگونه ایلها و برونست ها هیچگونه نفعی بحال ما نخواهد بخشند.

عروس ملک کسی تنگ در بغل گیرد
که بوسه بر لب شمشیر آرد از زید

⚡ احتضار نامه هیئت مقدسه علمیه نجف اشرف ⚡
(به عموم طبقات ایرایه)

حضور مبارک علماء اعلام و عموم اکابر و نجار و قاطبه اهالی ابراهیم ابد هم الله تعالی، پس از ابلاغ سلام وافر زحمت افزا میشود. البته آزوات محترمه و برادران ایجابی از اعلام احکام الهی در حفظ بیضه اسلام و تاسیس اساس معدلت و مشروطیت که موجب آسایش و رفاهیت عموم مسلمین و باعث نشره طرف و بسط شوکت اسلام است اضلاع واستحضار یائنه و از آنجاییکه دولت روس انصاف مملکت ایران و بسط شوکت اسلام را منافی مقاصد و امراض اسلام شکنانه خود دانسته به بیاه های جعلی و تشبیهات غیر قانونی قوه نظامی خود را بایران سوق کرده و توسط کارکنان مخصوص خود القاء ساق و تفرقه بین مسلمانان کرده تمام فسادهای تبریز و قراچه، داع و اردیل و استراباد و زنجان و سایر بلاد ایران از تحریکات بلتیک روس است. همان خوریکه سایر ملات مسلمین را همین القاء خلاف و نزاع داخلی اشغال کرده و استقلال اسلامی آنها را خاتمه داد همین طور در این صدد برآمده که استقلال مملکت ایران را که عمده اساس عز و شرف مسلمین است حایه دهد و مسلمین را در تحت اسارت و عبودیت کفار ببرد و بطوری دولت ایران را مشغول اصلاحات بطرف شمال ساخته که از اصلاحات کامله طرف جنوب اعغال نموده و کارکنان مخصوصش را در باطن برای اغتشاش طرف جنوب گسیل داشته و بدین

واسطه دولت انگلیس بموجب تفکرات کتبه سعادت اعلان رسمی نموده که اگر دولت ایران تا سه ماه دیگر طرف بنادر فارس را تامین ننماید قوه نظامی انگلیس طرف جنوب و اشغال و کمرکات را تصرف خواهد نمود.

بدیهی است این فحاشی داخلی و ضعف دولت و استیلا بر اعدای قوی بجه نتیجه اش اضمحلال استقلال و ذات مسلمین خواهد بود، اگرچه ملت ابراهیم تا یک اندازه احساسات ملی یافته و طریقه اقتصاد را اختیار کرده طبعاً تمیر از مرابطه تجارتنی مائمه روس پیدا کرده و بر حسب مقتضای عقل و دیانت اسلامی خود در این موقع خطرناک استعمال امته روس را بر خود حرام دانسته لکن بجهت اهمیت موقع نباید اکتفاء باین قدر قلیل کرده بلکه بر هر صاحب دیانت اسلامی لازم است که امروزه اختلاف و فحاشی و غرض رانی را بکنار گذاشته هر نحو که ممکن و مقدور است اعانت و همراهی با دولت ایران داشته باشد، علاوه بر این همان خوریکه مقام ریاست روحانی اسلامی توقف قشون روس و دخول قشون انگلیس را اعتراض نموده که صورت آن لغاً ارسال و بنظر عموم اهالی خواهد رسید ملت غیور هم باید با آن غیرت و حیثت اسلامی که مجبول بر آن است توقف قشون روس و دخول قشون انگلیس را بجمیع دول متمنده بنوسط سترایه دول در طهران برونست نمایند.

هیئت علمیه نجف اشرف

⚡ تصدیق آیت الله اعظم بر احتضار نامه ⚡

(هیئت مقدسه علمیه)

⚡ بسم الله الرحمن الرحیم ⚡

رجاء واثق از عموم برادران ایرانی چنان است که اهمیت موقع و مخاطره امروزه را از دست نداده و ترتیبیکه از طرف اعضاء هیئت محترمه علمیه دامت توفیقاتهم اخطار شده معجلاً معمول دارند منتظر نتایج اقدامات همین

الاحقر محمد کاظم الخراسانی

⚡ برونست نامه مقام منبع ریاست روحانی ⚡

(اسلام بذریعه سفرای طهران بدول مظلمه عالم)

مقام منبع ریاست روحانیه اسلامی، خواطر

طرف داران حقوق بشریت و آزادی پرورانان عدالت پرست را متوجه میخوانم. در این دوره تمدن که اشعه عدالت و آزادی دو روی کره را منور دارد همیشه می شنیدیم که هیچ قوی بجه و صاحب اقتدار و شوکتی باپال کردن اندک حق از حقوق ضعیف ترین ملل عالم را غیر ممکن و چنانچه ظلم پیشه و منوروی در چنین مقام بر آید حکومت دنیا با او ضربت و دفعش خواهند نمود هر چند مقام ریاست روحانیه اسلامی از اوضاع سایر ممالک و طرفداری نوع پروران حق پرست از حقوق سایر ملل بیخبر است لکن از سکوت و اعماض که از اینجه تجاوزات ظالمانه حکومت روسیه در ایران شده و میشود بی خبرت دارد. در چنین موقعیکه ملت مظلومه ایرانیه که در طائله بشریت يك اولاد قدیم است بعد از احساسات ملیه بوادی تربیت و ترقی قدم نهاد و بحسن دلالت و هدایت و تصویب پیشوایان روحان خود زنجیر اسارت و رقیق را که از حکام استبدادیه در گردن داشت با يك هیجان ملی گسیخته بعد از چه قربانیها و فداکاریها بهم اساس استبداد خود سری و تشکیل حکومت شوروی و ملیه بر اساس قوم مشروطیت موفقیت یافت. چون آن پیش آمد و خلاف غرض و مقصودیکه حکومت روسیه در محو آزادی و استقلال ایران از دیر زمان تهیه مینمود نتیجه میداد از ایجه بمقام آن بر آمد که تا موقع از دستش زفته بمرکات غیر قانونی و مداخلات ناحق آزادی پروران ایران را از اجراءات عملیه و ترقیات ملیه طاق و بمکنونات دیرینه خود هر چه زود تر نائل آید و تا توانست هیکل بوسیده استبدادیان را نگهداری و از استوار شدن اساس مشروطیت جلوگیری نمود. حتی مجلس شورای ایران را در ۲۳ جدی الاول ۱۳۲۶ بالمباشره ایساکوف روس منهدم ساخت و همینکه آن اساس بوسیده را مشرف باضمحلال دید اولاً باسم فتح باب ارزاق برای تبریز در صورتیکه قبیل از آن مفتوح شده بود و بجاه حفظ قوسلات در حالتیکه کاملاً محفوظ بود قوه نظای خود را به تبریز وارد بمرئی و منظر قسائل دول معظمه آنجه تعدیات که در کتابچه ملاحظه در ۲۶ ماده نعت و ضبط شده از عساکر

او در تبریز صدور یافت و چون خود را در تجاوز و مداخله بلا مانع و دولت انگلیس را هم مساعد خود دید بزورین و جاهای دیگر م باسم حفظ تجارت با اینکه بوسنه محفوظ بود و هست عساکر خود را سوق داده از هیچ مداخله و تعدی خودداری نکرد مفسدین و اشرار مملکت را تا توانست برضد دولت رانگیخت. همیشه بعد از زحمات و خسارات زیاد مغلوب دولت شدند پناهندگان داد چنانکه بناه دادن ما مثال رحیم خان قراچه داعی و سایر پناهندگان سفارت و قونسلمناه و افساد کاریهای دراب میرزا که از مستخدمین نظامی روس است دروزنجان و سایر مداخلات ناحق او در امور داخلی مملکت بر کشف این مدعی دلیل واضح است لکن تا بحال از دولت انگلیس جز همان مساعدت های منویه علناً مداخله و اقدامی برضد استقلال ایران مذاکره نمیشد حالا همان افسادات صفحه شال بطرف جنوب هم ساری و دولت انگلیس هم که سلطنت خود را در اقطار عالم عدالت پرستی و آزادی پروری معرفی فرموده است نسبت با ایران مسلک قدیم قوم خود را از دست داده مهدستی با روس را اختیار. بموجب تلگراف در این مقام برآمده که همان معامله روس با شمال ایرانیان را در صفحه جنوب معمول دارد و عساکر خود را به بهانه انتشار جنوب با آن صفحه سوق نماید و بلکه اختیار عسکریه و گمرکات آن صفحه را در تحت اقتدار خود آورد. و همان مقاصدیه را که دولتمین در نظر داشتند که در ضمن قرض دادن نصف ملیون لیرا با ایران بگری دارند و ملت و دولت ایران زیر بار زلفت حالا بیبانه جوئی دو صد اجراء آن برآمده که باین وسیله استقلال ایران را خاتمه دهند. بدیهی است ملت تازه بیدار ایران که طوق رقیق خاندان سلطنت قدیمه خود را خلع کرد تا جانب در بدن دارد برقیق اجانب تمکین نخواهد کرد و مقام ریاست روحانیه اسلامی هم در دفاع از حوزه مسلمین هر اقدامی حاضر خواهند بود. لکن گمان بعیرت طرفداران حقوق انسانیت سکوت و اعماض از اینجه تعدی و فشار دولتمین قویترین روس و انگلیس را بملت تازه هشیار ایران که تا مدتها لازم است برای اصلاحات امور و ترقیات اساسیه خود فارغ النال باشد. ضا دهند.

و بجای آنکه در عالم نوع برحق حریت پروران
ایران را در اصلاحات نوع پرورانه کک کنند ،
در تخلص از چنین گرفتاریهایی در جنگل دو
همسایه مهربان هم آغای فرموده جوی خون شدن
ایران و لنگدار شدن عالم انسانیت را در این عصر
زیاده بر این روا دارند ، از تمام عدالت پروران
عالم تمنا داریم پیش از این سکوت و اغماض درمارة
ملت مظلومه ایران روا نداشته بخلص از جنگل
دو همسایه مهربان که در محو آزادی و استقلال
ایران همدست شده اند عالم انسانیت و حق برحق را
جلا بخشد انشاءالله تعالی. و این بیان نامه را مقام
ریاست روحانیه اسلامیة ایرانیه عاکفه در نجف
اشرف ، بدربار حریت پرور دولت و ملت
آن دولت معصمه در طهران با احتراست لازمه
فخیمه تقدیم میدارد

الاحقر محمد کظم الخراسانی

الداعی عبدا لله مازندرانی

پروست نامه ایست که از طرف اهالی

(خلیج فارس بسرای دول مقیم طهران)

(بنیاست بنماید)

حضور مبارک حضرات سزایی دول معظمه
متحابه در خواست عاجزانه مینمائیم ، که این لایحه
اعتراضیه تظلمه ما ملت را محضو اقدس اول شخص
دولت عادلّه خودشان رسانند ،

ماملت محول صبور ایران از دول معظمه متحابه
که عدالت پروری و استعلاص نوع بشر را از قیود وحشت
و استقرار صلح و ائتلاف در میانه کافه ملل شمار خود
شان دارند نه معاونت عسکری میطلبیم و نه مساعدت مالی ،
بلکه فقط نمئی داریم که محض حفظ اساس تمدن
و بقای انتظام دنیا نظر باینکه حکم حیات و حیات
یک حصه بزرگ از این دنیا موکول و محول بقوای
منصفانه شایسته ترین نوع بشر است عالم انسانیت را
به تراوش تأثیرات اقدامات مصلحانه خودتان قرین
آرامش و رهین احسان فرمائید

محسوس و مشهود تمام کائنات است که ایرانی
نژاد همه وقت در نوازش اتباع خارجه و تقدیم
هر گونه احترامات فائده نایندگان ایشان باذل تمام
جهد بوده اند و بطور اخص از زمانیکه خواستند
سلطنت مستبده را بحکومت مشروطه شورویه مبدل

نمایند بمرتبه در استزای خواطر مطلق اتباع دول
متحابه و حفظ مراتب و دادیه افراط کردند که
بمردوبت نامبردار شد

نایندگان دول متحابه مقیدین ایران بهترین گواهان
و مصدقین هستند که در مشروطه صغری و استبداد
صغیر که آفاق این مملکت را آتش سوزش و انقلاب
عمومی فرا گرفته بود حتی و حتی ترین مردم ایران
حفظ جان و مال اتباع دول خارجه را بر جان و
مال خودشان برتری داده بیوسته از هر گونه
تعرض باموال و نفوس ایشان احتراز و اجتناب
کرده اند

دولت و ملت ایران در هیچ حالی از احوال
خود سلب مسئولیت و دمه داری از احوال و نفوس
اتباع خارجه از خود نموده ، و هیچگونه حتی از
حقوق دول متحابه اهم از اقتصادی یا سیاسی در
مرض احوال نیفتاد

اما بدبختانه دولت فخیمه روس همینکه تحریکات
خفیه خود را در احداث موانع و عوایق احجام و
و استحکام مقاصد مشروعه ملت مظلوم ایران
نتیجه یافت علناً برخلاف معاهده با دولت بریه
انگلیس در ابقای استقلال ایران و عدم مداخله
در امور داخلی آن منقذ داشته چند گاهی است
که در حصه شمالی و شرقی ایران بدخالت های مسلحه
و حرکاتیکه یکی از هزارش ملایمترین اقوام دنیا را
بجوش و خروش می آورد سیاست در تزلزل و
تقهیر دولت ایران را تعقیب مینماید و با آن خوی
خش و رغبت ما فوق التصوریکه در مزاحمت و تعدی
بهمسایگان و دوستان خود دارد بوسیله هر گونه
تشیبات سری و علنی دقیقه از ایراد هر گونه ستم و
اجحافاتیکه طبعاً سائق بسوی هیجان عمومی و محرک
صرف اسلامیت در تمام نقاط مختلفه دنیا است فرو
نذار نمی کند

طول اقامت قشون روس در داخله ایران و ممانع
تراشهای دولت مشارالیه بمظاهرت و معبت دولت
انگلیس که بطور مستقیم بموجب سلب اقتدار تام
دولت ایران و بطور غیر مستقیم علت نامه عدم
امنیت کامله در تمام زوایای مملکت ایران بوسیله بنای
رجعی هیئت ارنجاییون بتوهم حمایت دولت فخیمه
روسی از محمد علی میرزا است و اخیراً یاد داشت

دولت بهی انگلیس که دولت ایران را بدخالت خود دو صفحات جنوب بیج میدهد - حیات ملیه چندین هزار ساله ما را تهدید مینماید .

از مسلمات است که دولت و ملت ایران جز حظ استقلال خود و استحکام روابط و دادیه و آمیزش و پیروی ملل متعمده اروپا و رعایت حقوق جواریه و مراتب ایتلاف همومیه و بقاء صلح و سلم هیچ مقصود و مهمی ندارند ، کما اینکه تاکنون در رعایت هیچ مرتبه از مراتب مزبور فروگذار نشده لکن دولت فخریه روس از این سوء قصدیکه نسبت باین دولت دارد و اعمال اعمالی که از خصایص قرون سائنه وحشت و چپاول و تجاوز است رفع امنیت و آسایش تمام اهل عالم را میخواهد .

بلی دولت روس محو استقلال دولت ایران که متوقف بر ریختن آخر قطره خون تمام افراد ملت آن و مالا غیرممکنی است آرزو میکند لکن خافل است از اینکه رشته انتظام تمام قطعات ارضی را بهیجان عمومی قاطبه پیروان قرآن یاره مینماید - دولت روس که از روی کم فرستی در هنگامیکه یک ملت میهمان نوازیکه پس از اینار هزاران عوس رودفع اداره استبدادیه میخواهد وطن عزیز خود را برای آزادی تجارت دیا و آمیزش با متنوعه عالم و رادری و برابری با اراد فوج بشر به ترتیبات مرین و مهیا سازد بدون هیچ حق مشروع در تصور نیات عاصبان خود نسبت بان ملت تمجیل به آنها بان ملت بلکه نسبت بتمام ملل عالم سنگار خواهد بود .

اینک ما ملت بنادر خلیج با یک ناله مطلوبه که قلوب حامیان نوع بشر را قرین عالم و تانر سازد از تمام دول متعمده استرحام میبایم که بنظر دقت در پایان این قضیه موحشه نگریسته ایرانیان و خود شان را از تصادم شراره این آتش جهان سوزنجات بدهند .

و بالاخره از دولت فخریه روس با کمال تواضع و احترام خواهیم که سالدات خود را از خاک وطن مقدس ما خارج سازد و ما را آسوده بخودمان واگذارد که باصلاح امور داخلیه خودمان برداریم .

(ملت بنادر خلیج فارس)

تلفگراف از طهران بولایات

روز ۱۴ ذیحجه ۱۳۲۸ در طهران از تمام

کلیات و ملل متنوعه اجتماع عمومی بعالم انانیت و ملل حیه از طول اقامت قشون روس و یادداشت اخیر انگلیس حکه استقلال ملی ما را تهدید مینماید اظهار فرت و پروتت کردند ، شایسته است که حیات ملی خود را اظهار دارد .

هیئت مدیره میتنگ . عباس ، حاجی آقا ، محمد الموسوی ، علی محمد الحینی ، سید حسین عدالت ، حاج محمد حسین ، محمود .

نگارش يك از مسلمانان هند

(از میرته)

(۱) ایسی لایحات از مقامات مختلفه ایران که در حبال الملتس یا جرائد دیگر هم شایع میشود که مملو از شکایتهایی دان و هرگونه از نا امنیت نام - در بلاد و حوالی و راه ها می باشند چهار حس ازین امور نا مرضیه در هر ملک واقع میشود و چاره این نمی شود حکه در عالم فریاد بلند بکنند که فلان سارق مال من برده و فلان حاکم رشوه گرفته و فلان متکبر است ، این امور را باید حصرات شکایت کنند بطور مرافقه به حکام مقامی یا حکام مرکز رسانند و به صورت عدم توحیی رکن مجلس شورای حلقه خودشان را مجبور بکنند که از سرداران اداره متعلقه رای اصلاح بکشند . ما هر روز قطاع الطریقی و سرقه و رشوه و مال یتیم خوردن را می بینم لکن به جراید شکایت نمی کنیم . و در ایران این امور ملک و ملت را بدنام می کند - و مدبران مثل سپهدار اعظم را هم از جای متزلزل می سازد و هرکایینه دارای هر قوت باشد ضعیف میشود

همه توجه و قوت قلبی و درمی ایران و اهالی آن ملک و جمله استعداد ملی و ملکی باید خرج استحکام قوت هسکریه و مهیا کردن قشون ملی و فراهم کردن اسلحه در هر ولایت و در هر بلد و در هر ده و در هر ایلی از ایلات بشود (ان تنا لوالبر حق تفتقوا عما تمجون)

(۲) محال است که دیک بیابان در شود و چشم حریصان بر - محال است که اعتراضات دولت ایران اثری بدول خارجه خصوصاً روسیه پیدا کند مگر اینکه مشاهده کنند که ایرانیان برای قیام حریت

خود مستعد هستند و با يك هيچان ملي لشكريه
 آرايه کرده اند. ايرانيان يقين بدانند که اگر
 فوري اتحاد قومي پيدا نميکنند و سر خود را حم
 نکنند تا چند سال ديگر پيش مصادرامور که ایشان
 را زحمت دهند برای خرج پول (ولو حربه باشد)
 و برای آموختن فن حرب (ولو دوکار شخصی مردم
 هرج و نقصان پيدا شود) و مصادر امور قطع نظر
 از امور غير اهم و اعراض شخصيه متوجه به این
 مهم عظيم به شوند و همه امور تاجرکردی را به
 انصراف استبعاد عسکری که امدت راه ها شده
 از آن است ملتوی به ساريد همه فداکارهای سه ساله
 و نقصانات مالی که به اندازه سده زائد از صد کرور
 پول محاسب ايراني و نقصانات جانی که زائد از صد
 هزار مرد و زن و طفل و عیال و سادات و عشای
 ملك میباشد ضائع و بر باد خواهد شد. بلکه حالت
 شان ده گوه بدتر از حالت ساعه بعثت عسکری
 احاب خواهد گرديد. الشيطان يلق العداوة والبغضاء
 في قلوبكم

(۲) نسبتاً این امر باعث اطمینان مسلمانان عالم
 میباشد که وزیر خارجه، حایه ايران مرعوب احاب
 بست چنانکه پيشروانش بوده اند. لاکن محض قوت
 استقلال و حقايت دعوی بدون آمدين و آمادگی
 به اتلاف جان و مال در عدالت ديپلوماتی عطمی
 مسموع نمیشود.

چند ماه قبل عرض نمودم و مجدد تذکره
 میکنم که يك حصه مالیه در هر ولایت برای
 تهیه استعداد جنگ در هر نقطه مخصوص دارند
 و حقه اخراجات بمانی و قدری از اوقاف هم درین
 ضرورت خرج و صرف شود بهی خرید کردن
 اسلحه و غیره.

(۱) ايرانيان بايد يك مرد قائل و دی اثر و
 دی رعای برای وراثت جنگ مهیا کند همچنان
 يك مرد صائب الرأی و متدین و بیعرض رایجی
 اصلاح مایه ضرور است. اگر مصادر امور مامور
 میکنند بملک تمام عرص مهیا هم چه زود تر
 باشد جناب سید علی حس حاکم بهادر حایه
 وزیر اعظم ریاست جاوړه و ساعاً وزیر مالیه
 ریاست اندور و سکریتري خزانه و مالیه ریاست
 حیدرآباد) را برای اصلاح خزانه طلب کند.

صاحب موصوف بکالتدین و جرات قلب و اصابت
 رای مخصوصاً در امور صرایی و خزانه معروف هستند
 در ریاست کوچک جاوړه که بسیار مقروض و پریشان
 حال بود در عرصه دلیل ترقی نمایان و حیرت انگیز
 داده اند. مداخل تخبناً سی بیصد اضافه شده بلا
 هیچ شکایت از عوام و اصب فرضه ریاست را ادا
 کرده اند. و در حیدر آباد دسکس در نقطه
 عظیم سنه ۱۸۹۶ و سنه ۱۸۹۷ مسیح بلا گرفتن
 هیچ قرض کار ریاست را انجام دادند

(۵) از امور بیکه دکوش لازم است اینکه
 هر چند ممکن باشد قرض از احاب کتر گیرد و
 مشیران اروپا را برای يك مدت مهیه گرفته بعد
 ادهای میباد رخصت کند. و نایکات روسیه را
 محدود به اموال تجارت بکنند بلکه هیچ مدد یعنی
 ملازمت آن دولت و فروختن اموال مسلمانان را
 ترک کنند تا قشون روسیه در ايران باقی است.
 و هر ايراني عهد میکنند که قاطبهً يك فلس برای
 خدمت پلنیکي یا انتظامی یا بطور رشوه از هیچ
 یکی از احاب قول نخواهد کرد که این گونه امداد
 موجب ننگ و عار قومی شمرده میشود

موقع ترقی که ايران را حاصل است هیچ
 یکی از ممالک اسلامیه را میسر نیست

- (۱) همه یا قریباً همه متمسک به يك مذهب هستند.
- (۲) يك زبان دارند
- (۳) ملك شان همیشه به استثنای چندی فزات
 آزاد بوده است

(۴) خون شهدای ملی برای قائم کردن امر
 عدالت و مشروطه به اندازه ریخته شده است که
 ضامن استقلال حسیت قومی باشد بود

(۵) ايرانيان میدانند که زوال و هلاکت دواتشان
 همه دول اسلامی را هموماً و مذهب اثنا عشریه را
 بداعتاً به فوریه ممالک خواهد کرد و جز مسیحیان
 و با بیان منتمع نخواهند شد

بیخ امور قابل اصلاح نیست (۱) آرام طلبی
 اهالی (۲) فطالی و مبالغه (۳) اعراض شخصی را
 فراموش نکردن (۴) از احاب پول گرفتن را
 جائز دانستن (۵) مسائل اهم و غیر اهم را تمیز
 نکردن و غفلت از قوت عسکری

تقریظ کتاب روابسیون ایران

(مؤلف فیلسوف بزرك)

(پروفیسر ای . جی برون مستشرق معروف)

این کتاب تاریخ روابسیون مقدس ایران را قلمی حاوی است که نه تنها تا کنون در هیچ زبانی مانند آن دیده نشده بلکه تصور آنکه بهتر ازین ترتیب بتوان داد خلاف قیاس است . این فیلسوف بزرك نوع خواه مستشرق درین موقع اهم که وزارت خارجه انگلستان با دداشت دلخراشانه بایران داد بهترین مدافع حقوق ایرانیان و مالاترین کشف سرائر و مضرات عهدنامه دولتمین و اروپا آشکارا ساخت . در چنین موقع اهم جلب توجه کلیه اروپا را این کتاب بحقیقت و مطلوبیت ایرایات نمود . وحیاتی نوع خواهانه ملل مختلفه اروپا را همدردی ایران جلب ساخت . واقیان رموز میداند که اشاعه چنین کتاب مبسوطی که کلیه نگارشاتش مدالانه که قابل الانکار نباشد تا چه اندازه کشف اسرار پلنگی تواند نمود . وجه قدر سبب همدردی هواخواهان آزادی نسبت به ایرانیان تواند دید . زمان ما از شرح بیان اثرائتکه این کتاب درین موقع اهم بر عوالم نوع خواهی بخشیده عاجز و قاصر است

این کتاب در زبان انگلیسی با کمال متانت و رزات با آن نزاکتی که در خود مطابع انگلستان است و کاغذ اعلی در ۴۷۰ صفحه مرتب شده و دارای ۴۶ تصاویر عکسی مهم راجع بانقلابات سیاسی ایران ، از قبیل حضرات آیات الله بحب اشرف و فیلسوف اعظم اسلام سید جمال الدین کبیر و سرکرده احرار ایران بونس ملکم خان وغیره وغیره میباشد . و از مسئله رزی و قتل ناصرالدین شاه و گرفتن مشروطه از مظفرالدین شاه شروع و تا نخت نشینی سلطنت احمد شاه و افتتاح مجلس نانی پارلمان مفصلاً نگارش داده و ضمناً اثرائتکه از معاهده روس و انگلیس بر قلوب ایرانیان و پلنگی ایران وارد شده توضیح نموده . و اقدامات انصاف کنانه روس را بذریعہ مأمورین و افسران قشونی خود یک یک بر شمرده و در حقیقت این کتاب آئینه حقیقت نمای انقلابات پنج

ساله سیاسی ایران است .

نظر با اطلاعات واسعة که ما در واقعات روابسیون مقدس وطن محبوب خود داریم میتوانیم تصدیق نمود که آنچه فیلسوف معظم در این کتاب نوشته صحیح و بدون شائبه ریب و خطاست . و میتوانیم گفت که اگر یک نفر ایرانی دانای عالم منصف مطلع میخواست واقعات روابسیون مقدس ایران را جمع نماید بهتر از این کتاب ترتیب نمی توانست داد . لذا ما دانایان ایران را که در صدد ترتیب چنین کتابی هستند هدایت میکنیم که هرگاه از مؤلف فیلسوف استعزاج و اجازه حاصل نموده به ترجمه آن از روی صحت و دقت به پردازند آنها را مستثنی از سائر زحمات خواهد نمود . آنوقت هموطنان محبوب ما توانند فهمید که آنچه را ما در تقریظ این کتاب نگاشته ایم اغراق نگفته بلکه حق واقع توصیف را هم از این کتاب کاینبنی نموده ایم . و بهترین تازیانه عبرت و عبرت ایرانیان غافل هم تواند گردید . چه نکات بسیاری از ملاحظه این کتاب معلوم می شود که جز خواص واقف بر آفت نیستند و ادهان خوانندگان را صاف و روشن می سازد و اشتباه کاریهای پلنگی برنی از ارباب غرض و صفا صاف ابطال میکند .

اگرچه قلم ما از شرح خدمات این فیلسوف مستشرق در باره اسلام خاصه ایران و عثمانی قاصر است ولی میتوانیم گفت که ملت قدردان ایران خدمات قلمی این فیلسوف شهیر را از زحمات سینی حضرت ستار خان سردار ملی کتر تصور نمی نمایند و جای دارد که ایرانیان قدر دانت بحسب این فیلسوف شهیر مستشرق را به ثبوت قدر دان ملی در ایران رکن نمایند . طالبین کتاب میتوانند رجوع بمرکز ذیل کنند

کلکته و بمبئی - مکملن کپنی لیتد

نیویارک - جی . بی . بوت نامس و پسران

لیدزک - اف . ا . بروکهاس

برلن - ا . آشیر کپانی

ادنبرگ - نمبر ۱۰۰ بونس استریت

لندن - کامبرج یونیورسیتی پرس فترین ایست کارز

سی . اف . کلی منیجر

قیمت ده شلینگ

کاذرون

ما اهالی فلك زده بیلم کاذرون نمیدانیم تا یکی باید دو چار وحشت و اضطراب و قتل و غارت و ناامنی باشیم، نه حافظ داریم نه حارس و نه مستحفظ، هرکس کشته شد خویش هدر رفت، هرکس غارت شد مالش بر غارتگران مباح گردید، بیشتر ترس و خوف ما از همین حامیان بی لجام و سران خود سر و ریاست طلبان و کلانتران و مال دیوان خوران است، ما رعایا در زیر فشار همین اشخاص که سرب اراذل و او باشند هلاک شدیم، عرضان بر باد رفت، هستی از کتمان رفت، بدرکشته، برادر کشته، فرزند کشته، غارت زده شده ایم، فریاد رس نداریم، کاسی از بادمان رفت، ممامه نابود شد، زراعت باک پیچید، مواشی و چاربیان همه نصیب اراک، زیور و زر اندوخته پیر زبان و عروسان همه بدست کارچیان و دشتتایها افتاد، بردند خوردند چایند کوفتند سوختند مارا بیچاره آواره ساختند، هنوز هم دست از مشق باقی مانده گدا شده بر نمی دارند، زمانی در معرض چپاول اوار و دهانی، هنگامی در موقع غارت اراکیم، در عالم هیچ طایفه به بد بختی خود سراع نداریم، روزی نیست که دو سه نفر بخود و بی جهت کشته شود، شی نیست که سه چهار خانه غارت نگردد، دهاقین و زارعین جرئت بیرون رفتن ندارند، والا یا کشته یا لعنت و عریان شده بر میگردند، این حال استناک شهری است دیگر خدا سرباد دهانی های اطراف برسد، جمیع اهالی دهسات بصفت زامدان قائم الیل هستند، بفاکت عمری میگذرانند، آدم کشی حکم آب خوردن پیدا کرده، اهمیت قتل نفس از میان رفته، بلکه دلیل جرئت علامت رشادت مایه افتخار شده است

در یکی از دهات شاپور (صدرآباد) سه فرسخی کاذرون واقعه رخ داده که در هیچ محل وحشتناک بیابان کبیر افریضا نیز اتفاق نیفتاده است، تفصیل واقعه ازین قرار است

بنج نفر سوار کارچی بصدر آباد می آیند که عباسعلی کدخدای آن محل را گرفته به کارج ببرند و دوخانه خود عباسعلی منزل بگیرند، شب هنگام در صدد گرفتن وی بر می آیند، چون

جوابی میشود او را بکلوله زخمی می نمایند و اسلحه او را بر میدارند، بلافاصله مشهدی حسینعلی خالوی مضروب که ظاهراً محرك این فتنه و آورنده کارچیان بوده بهرجان آمده غناة با پنج تیره آلمانی هر پنج نفر را هلاک می نماید در آن میان دو نفر میان از اهالی ده ویک نفر زن نیز مقتول گردید، چند نفر از سادات مالکین ده که در آن خانه بوده فراراً بکاذرون آمده این خبر وحشتناک را منتشر نمودند، مشهدی حسینعلی مذکور از عاقبت کار توسیده بناهنده به محمد قلیخان لک و اتراک آشکولی که در آن نواحی بوده امد شده، مشارایه ما عده از اتراک محابیت وی آمده است، از آن طرف خورشید کارچی با کارچیان بخونخواهی تا نیم فرسخی صدر آباد آمده اند، ماده قابل مستعد از برای ترکیدن، تا کنون که پست در حرکت است خبری تازه از ایشان نرسیده، خداوند ترحمی بحال این جهال بی والی نماید و توفیق به اولیاء دولت دهد تا مش از این ایالت فارس را بی حاکم نگذارند، اینها همه نتیجه بارتی بازی و اغتال اولیاء دولت است نمره بی استعدادی و نفاق و خود غرضی درباریان و ریاست جویان و وزارت طلبان می باشد

اهالی سیف آباد (که یکی از دهسات جنوب کاذرون است) از ترس چپاول اراک دره شوری جمیع مواشی و اموال و عیال خود را بکاذرون آورده اند

مشهور است صولة الدوله فردا وارد کاذرون می شود و مضیت الدوله و کلانتر در تهیه پذیرائی می باشند، الساعه خبر رسید که در حوالی شیراز دویت و دوازده بار قاطر مال التجاره که از بوشهر بشیراز میرفته با تمام غارت نموده اند، خدا میداند مرتکبین برای چه فوراً این کار را کرده اند

اخبار مشهد

چند روز قبل شخصی که وحکبل است از طرف ملك التجار که املاک متصرفه و موروثة شجاع الدوله حکمران قوچان را بحیله بگیرد می رود نزد علاه السلطان، در آموقع علاه السلطان در کابینه ایالتی در سرکار خود بوده، بعد بحضرة علاه السلطان رفته میگوید که مبلغ... به شما تقدم

می‌بایم که این کار را بسرعت گذرانیده و حق را بطرف من بدهید، ناگهان علاءالسلطان برآشفته و میگوید: - هان برخیز و از پیش من برو و بعد از این گونه حرف‌ها را در پیش من مزن و این گونه وعده‌ها بمن مده و حیاً کن امروز غیر از دیروز است، تا کی باید رشوه داد و رشوه‌گرفت و حقوق بندگان خدا را پامال کرد، آت مبلنی که به من میدی که حقوق طرف ترا پامال نمایم آن مبلنی را من چه بیوجدانی بمصرف زندگای خود برسانم و از او چگونه چشم تمتع داشته باشم

درواقع این اوایل مرتبه است که یکی از مامورین دولت از يك فقره رشوه چشم پوشیده، ابکاش که تمام مامورین همین طور از رشوه دادن و رشوه گرفتن چشم به پوشند که امور معطله امروزی ما زیاد تر ازین در محاق تعطیل نماید.

دیروز صد نفر سواره و پیاده بریاست محمدرضا خان سرهنگ با يك مراده توپ حرکت کرده و بمراحم دستگیری محمدعلی کنابادی به تربت رفتند، ولی افسوس که امنای ما منبع و منشأ فساد را از دست داده و به شاخ و مال می‌پردازند، باید آن شخصی را که این محمدعلی کنابادی را بدین عمل وا داشته قلع و قمع کرد و الا بعد از دستگیری محمدعلی يك محمدعلی نومی را می‌پرورند و خار راه ترقی می‌سازند.

هفته سه روز در ارگ دولت سربازها و سوارها حاضر شده و مشق و دقت زیاد بعمل می‌آید و الحاق این ترتیب حالیه سرباز و سوار را در مشق باید از حسن خدمت و لیاقت کفایت و کارکنی آقای نصرت نظام که شخصی وطن دوست است دانست، این شخص محترم مشاق کل اداره قشون خراسان است و در ایام تابستان و زمستان در اول طلوع آفتاب که مردم همه در خواب یا در میان خانه هستند حاضر شده و بواسطه شبور سربازها را جمع و تا سه ساعت از طلوع آفتاب گذشته مشغول مشق هستند، این شخص ترقی قشون ایران و قشون خراسان را باندازه طالب است که بزمارك قشون آلمان را در ترقی میخوانست، ولی افسوس که در هر قدم هزاران موانع ترقی در جلو هست که مساعی جيله و پراها و هدر میسازد.

هفته قبل در باغ ارک با حضور رؤسای قشون و اعیان و رجال اجلاس برای ترمیم و ترقی مدرسه نظام دایر بود و هر يك اعانه مقرر ماهیانه در دفتر مابدی مدرسه نوشتند، و تقریباً ماهی چهار تومان فراهم آمد - اگر این مبلغ صرف مخارج شخصی نشود و مدرسه همین طور در ترقی باشد عنقریب صد و پنجاه اشخاص فارغ التحصیل با سواد از آن مدرسه بیرون خواهند آمد که هر يك بتوانند هزاران خراب کاریهای وطن را ترمیم نمایند.

چند روز قبل در میان بست سخن مقدس، يك نفر پلیس با خر بزه فروشی منازعه کرده و چیزی نمانده بود که این منازعه بتدری بزرگ بشود که جلوگیری از او خیلی سخت شود، زیرا که بعضی از اهالی آستانه به معاونت خر بزه فروش برخواسته بودند، از یکسوی دیگر پلیس‌ها و سرکبیرها برای معاونت پلیس حاضر شده بودند و تماشایان بیکاره نیکش هم از یکسو برای تفتین اقدام میکردند، ماده بعضی اشخاص نیز برای اشتعال نایره فته باناره... حاضر و آماده بود، از حسن اتفاقات به آقای صدرالمالک متولی باشی خبر داده بودند، ایشان به عجله تمام حاضر شده و به حسن تدابیر اصلاح ذات‌الین میدهند. والا حریفان را نه سرمانده بود و نه دستار...

دیروز ۴۰ نفر در باغ ارک در يك گوشه نشسته شرب مینمودند همه آنها به همراهی اجزاء قشون دستگیر و با همان آلات شرب درملا برد و تسلیم نظمی نمودند. و هم در این روز يك نفر (دوق آبادی) و او که شخص باکال است چند نفر بعنوان مصاحبت بمنزلش رفته و بعد از صحبت زیاد برمیخیزند که برونده یک نفر از آنها که موسوم به قانی و شخص روضه خوان است با ششول سینه آن شخص ادیب را به هتانه اینکه بابی است هدف قرار داده و مجروح میسازد. مرتکبین فوراً دستگیر کارکنان نظمی میشوند و در تحت استنطاقند، و شخص جریح هنوز زنده است، از قراریکه معلوم است با این جراحت نخواهد مرد.

امروز صنف بقال‌ها همه در یکجا جمع شده و میگویند ما تعهد نمیکند، ما میخوانیم، ما مشروطه نمیخوانیم، ما هیچ چیز نمیخوانیم، و باعث این میبجان

و نمیخواهم برای این است که هر باین خیابان مشهد یک نفر سید بقال بساط خود را از آن حدیقه رئیس نظمیہ معین داشته خارج کرده و در میان شارع چیده. یک نفر پلیس مامع شده و نمیکذاشته است. پسر این سید ابا کرده و برای این یحیی حدیث میکرده است. پلیس هم طاقت نیاورده و حدیث کرده ناگهان منازعه برخوایسته و یکدیگر را بتدر واقع کتک زده و خاشی نموده اند تا مردم جمع شده و منازعه را بر طرف نموده و پلیس بی کار خود رفت. بعضی سید بقال را محک شد اند که چرا باید امروزه حرف بحساب شنیده و معلوم واقع شوید. آن صنف خود را جمع نموده و بدین راه تلافی این کتک خوردن را بکن. باری برایی تفرقه ایسان از طرف نظمیہ اقدامی میشود ولی ما تمام این ترتیبات را از این میدایم که تا محال برای این خطه مهم ایالت تعیین نموده اند. برای این است که در میان ادارات تفرقه است. برای این است که تا بحال وزراء و امناء محدثت کار نمیکنند و این مملکت را باریجه تشخص خود قرار داده اند. برای این است که حلب قلوب مردمان با شرف و اسبیل یا ادای ناس را اهمیت نمیدهند. برای این است که اعمال حسن و سوء بجات داده نمی شود. برای این است که خوب از بد فرق داده نمیشود. خادم از حائن امتیازی ندارد. مار خونخوار را میبازند و مقتول را توهین میبایند. رؤسای نظمیہ که در ولایات خیانت کرده و معزول شده کان لم یکی غیر مسئول مانند. نائب حبیب را به شغل اولی خود سپردند. میرزا ابوطالب رئیس نظمیہ قاین را که امیر شوکه الملك حکمران قاین چقدر در پیشرفت کار وی اقدامات سریعه کرد چون غله بود باز خیانت های متعدده نمود از آنجا معزول شد و غیر مسئول ماند. رئیس عدلیه بيشابور که محمد علی نیشابوری را با اعمال صحیفه را انگیخته معزول نموده و فوراً بدون مسئولیت عدلیه سمنان و دامغان را بوی سپردند. کار گذاران نیرالدوله یعنی سالار هابوت و اتباعش بيشابور و اطراف او را آتش میزدند و فریاد مظلومین تا فلک هتم میرسد ابداً بداد شان نمیرسند. بطهران میروند به مشهد

می آیند متظلم میشوند اداً به حرف هایشان گوش نمیدهند مابوس میشود. در نهایت تأسف منحل ظلم میشود با این حال باز ما باید منتظر باشیم که اصول مشروطیت پیشرفت نماید. باز باید مظلومین را توبیخ و سرزنش نمود پس نسبت الاعتراض که ما آئین تقوی نمیدایم و مستوجب این همه سوانح هستیم.

هفته قبل انجمن ولایتی برای قدرت نانی یک نفر بلوچ خان محمد نام را بعنوان اینکه سارق و دزدی کرده است اول میخواستند اند مدارس نزد یزد از مذاکرات و اخذ آراء سر بریده از جلوع نظر بیایس مخ بسته و کشان کدات هشتن را در میان مازار و کوجه ها گردایدند. قزاقان روس که در مشهد بودند رفته و بحالیی آمان از نو قزاقان دیگر آمدند. اداره دواثر تلافی در نهایت سرعت و ترقی مشغول ترمیم امور واجبه بداره است و الحاق میتوان گنت که بعد از عزل و خراب کاریهای رئیس سابق این اداره جنم اصلاح خواهان باعمال صحیفه و کسایت شاهرامه محمد علی میرزا رئیس حایبه ووش است. اگر بعضی از حراب کاران بگذارند که این شخص محبت و اسبیل که خدمت نمودن فطری و جیب ایشان است خدمت نموده و عالیه دولت را ترقی دهند. ما ایسکه همس اشخاص حراب کار میدیدند در اوایسکه تحدید تریاک با نظمیہ بود دیباری بکسی نداد و بمالی هم قروض گذاشت و رفت. ولی این اداره هرروزه صد تومان فقط با اداره نظمیہ و امنیه میدهد غیر از اداره قشون

نقل از روزنامه شریفه شمس

(عدلیه ایران)

(از همه عدلیه های دنیا بزرگترست)

تاریخ و تجربه اقوام عالم بزبان مخصوصی که دارد میگوید علت اصلی شورشهای ملی که تاکنون بر ضد حکومتها شده تماماً بواسطه ظلم و زور و عدم رعایت بعدل و داد بوده. مردم از ریش سفید و کتخدان، از حاکم و امیر، از پادشاه و وزیر حور و ستم دیده اند و از یکی نزد دیگری شکایت رده همینکه دادخواه و فریاد رسی نیافته اند لابد بر ضد اساس حکومت قیام کرده سلطنت ها را تبدیل نموده اند.

نیز جزو اعتبارات وزیر عدلیه قرار میدهند. ولی در کشور بدبخت ما اهمیت این وزارت با آن است که همیشه چندین هزار شکایتنامه روی هم ریخته و مزایم باشد و نام مبارکس را هم با کله اعظم ردیف کنیم - دیگر هرگاه شخص وزیر نه در هیچ مدرسه و نه در یکساعت از عمر خود حرفی از حقوق بگوش شریفش نخورده عیب مال نمیشود، و مایه و زرو وبال نمیکردد

اگر بداد و فریاد شکایت کنندگان در عدلیه اعظم رسیدگی کامل نمیکند نقل نیست، حلوا حلوا بگویند تا کامشان شیرین و با نومیدی حاویداهمنشین کردند. در چنین عصری پس از چشیدن آنچه تلخهای غفلت دیگر شایسته شایسته دولت جدید ایران نیست که در انتخاب وزیر نظارش مخوب فطری او باشد

وزرای ایران همیشه خاصه درین عصر اخیر همه از مردمان بسیار خوب بوده اند. بی آزار - نماز گذار، روزه گیر، درویش، زیارت خوان، اما آن عمر و بهره که باید هیئت اجماعیه شده چه بوده؟ آن نواقص و مسایبی که از ملت دفع و برطرف گشته کدام است، وزیر اگر عالم بود و معنی مأموریت خویش را درک می نمود، همینکه اجرای حکم وزارتخانه او را در نقطه مانع شدند و مأمورش را ردند از دو کار یکی را اختیار میکرد - یا جبارت کنندگان را بجزای قانونی تأدیب مینمود، و یا اگر مانی معنوی میدید از شغل خود استعفا میداد، و این حقارت بزرگ را بدولت و مقام مقدس قانون نمی پسندید. اجمال آنکه بی سر و سامان کارها بریشانی اوضاع حاضر و هرار دردمای بی درمانی که داریم هیچک در نظر خودی و بیگانه چندان شنیع و قبیح نیست که در چنین حال و موقی وخیم منصب و مأموریت را به بالاینان بدیم و جان و مال رعیت را بدست آدمان نانی بساریم

از جانب ایرانیان اسلامبول - که همه وقت در راه خدمت بومان ضایقه ندارند - پروتست گردیده و مقیننی ترتیب داده شد.

چنانچه روز یکشنبه ۱۹ شوال در تیاتر اومه تون واقع در بک اوغلی اجتمع کرده و برخلاف

آنچه خونریزیهای وحشیانه را که خلق بک ملک، ابنای بک آب و خاک، فرزندان بک وطن مانند جانوران درنده توی هم ریخته و بجااست هم افتاده بحیات یکدیگر خانه میدادند - اگر با نظرآمل و تحقیق بنکریم خواهیم دید که منشأ آنها این بوده که هیئت جمعیت ما برای تندی ستمکاران جاره صحیح نمی اندیشیدند و آسایش افراد خلق را بطور لایق فراهم نمی آوردند. حقوق آحاد ناس وفق محفوظ مینامد که عدالت خانه صحیح و درستی موجود باشد. آسایش اهالی وفق تهیه و تامین میشود که مردم به پشت گرمی و صحت اجرای احکام انعدالتخانه از تعدیات همدیگر فارغ و مطمئن باشند.

اگر کسی سبب این انقلابات چهار ساله را از ما بپرسد چه خواهیم گفت؟ لابد میگوئیم با ظلم میشد، تندی میشد. برای یکدیگر حق و حرمی قائل نبودیم. دولت هم که اساساً صفت پاسبان و صمت حکمرانی و حکومت داشت خود نیز پیش آنگنگ تندی کنندگان شده بعرض و داد مظلومین وقتی نمیکذاشت، و دری از عدل و انصاف برای ما نمی افراشت. بدین جهت شورش کردیم و خواستیم که حکومت متذبه شود و معنی شغل و وظیفه خویش را بداند.

اما افسوس هرار افسوس که باین همه فداکاریها و طرانیها و با این همه مساعی اهل سعی و عمل باز حکومت ما از خواب گران بیدار نشد. از خار جهالت دور سابق هشیار نکشت، حکمت انقلاب ملت خود و تاریخ شورش سایر ملل را نخواند و فهمید چه اگر فهمیده بود اداره امور را بمرادت قدیم نامشخص ما قابل حواله نمینمود. وزارت را یکی نان خانه میداد. نتیجه نیکوی شورش چندین ساله را وقتی میتوانستیم به بینیم که به بینیم حکومت جدید ما در کار عدلیه و اصلاح آن التفانی مخصوص دارد، و اداره آن وزارت عظیم را که بمشابه روح مملکت است بدست عالم متبحری میسپارد. و پیروی از نقاط منوره عالم میباشد. دولتک متعده وزارت عدلیه را بدانان ترین عضو هیئت وزرا میدهند که در آفت فن شریف متخصص و صاحب تالیفات متعدد باشد. و در بعضی جاهاً غالباً ریاست وزرا

ترجمه تلگرافست که بامپراطور آلمان
(کشیده شده است)

(اعلیحضرت کیوم امپراطور عالیجناب)
(وزرگ آلمان)

مسلمانانیکه هر وقت ممالک خود را برای محافظه از استیلاى اجاب دوجار مشکلات شده اند آن اعلیحضرت بامداد شام رسیده ، اکنون هم ایرانیکه از سه سال باینطرف در میدان جوامردی جبهه حریت خوششان را نار میدانند با التی میتم مهور، وطن عزیز و مقدس خود شان را با استیلاى اسکلیسها معرض دیده و منکسر القلب میباشند ، حرکات با شرف آن اعلیحضرت که در مسائل مقدویا و مراکو عالم اسلام را منت دار و در سر قبر صلاح الدین ایوبی که ما یک کلمه ، ظامرت خود را در خصوص محافظه حقوق سیصد و بیجا میلیون عالم اسلام آشکار فرمودید اینک ما آن حرفها را تحظر و عظامرت و معاونت آن اعلیحضرت امیدوار میباشیم ، جمع کثیری از مسلمانان عثمانی و ایرانی از امید های خود خاطر جمع بود ، ما را برای عرض تعظیبات اخلاصکارانه خود شام بر عتبه امپراطوری توکیل نمود ،

حشمتآب ! جمیع عالم اسلام را پس از خداوند امیدگاه بگانه که خلافت است برای دادن حسن جریان بوجهه حرکات خلافت فقط امید از علو جناب آن اعلیحضرت است ، امدی بودن دات اعلیحضرت و طائفه امپراطوری وسعادت ملت بزرگ آلمان اقصای مقنا عالم اسلام است

روزنامه (اکسترابلا) وینه مینوید

ایران مجدداً دو چار یک انقلاب مهم و بحران عطیمی که مدخایت بحال آتی او دارد ، شده است یاعی های ایرانی ظاهراً بطور مأیوسانه وقتار ولی از حرکات خود امیدوارند که مملکت را بواسطه رجعت شاه مخلوع خلاص نمایند ، از یک طرف وجود قشون روس در صفحات شمال غربی ایران باعث جرئت و تشویق اشرار شده و از طرف دیگر در سمت جنوب سرباز های انگلیس هم خود را برای داخل شدن بخاک ایران حاضر میکنند ، التی میتم انگلیس تصیم او را به ربود

مأمول پیش از ساعت معین از دحام فوق العاده از معتبران اهالی محلیه و اجنبیه و ضابطان عسکری و مأمورین سفارات و مخبرین حراثد داخله و خارجه حاضر شده بودند ، از جانب ناطقین ، نطقهای آتشین و مهم ایراد گردید ، و در نتیجه آن قرار داده شد که تلگرافی بامپراطور آلمان بخاره شود که صورت آن دیلاً درج می شود

مدت قونفرانس (میتینگ) چهار ساعت امتداد نموده تا یک ساعت از شب رفته مختتام رسید - ناطقین کرام از جانب دو قنور قارا یک ر حضار تقدیم گردید - (دو قنور قارا یک که یک مجسمه حریت و غیرت است و خدمات نمایان در انقلاب ایران ابراز نموده بنام عموم ملت از ایشان تشکر مینمایم)

اسامی ناطقین کرام :

جناب حاجی شیخ اسدالله مخانی

« حسین دانش خان

« محمد توفیق یک مدیر دبستان ایرانیان

« عالم خان افندی (پیام طلبه های تانار)

« عبدالرشید افندی (سیاح شهر سبیری)

« حسن افندی (شیخ الاسلام کردستان)

« احمد یک آقا یوف

« عبیدالله افندی (مبعوث ولایت آبدین)

یک نفر از حریت پروران ملت ارومی

« عمر حاجی یک (خطیب شهر و نماینده اتحاد

و ترقی)

« شیخ صالح افندی (از علمای توس)

بموجب تلگرافات واصله کنفرانس فوق الذکر

در محافل اروپ فوق العاده حسن تاثیر حاصل

کرده و روزنامه های آزاد انگلستان در علیه حکومت

مقالات شدید درج و در تنقید حرکات خلاف

اسانیت کارانه حکومت دوام مینمایند .

بنام ملت ایران از تمام جراید آلمان و آستریا

و اسکلیس که در راه حق و انصاف از گفتن

حقیقت ابا و امتناع نکرده و همدردی با ایرانیان

نموده و مینمایند با کمال صمیمیت تشکر مینمایم ،

حومه خودش آشکار و جای شبهه باقی نماند ، بازیکری دولت دموقرات انگلیس در اینموقع خیلی اهمیت دارد ، در ائتلاف آخری با روسیه قرار بر این داده بودند که دخالت در کارهای داخلی ایران نمایند ، و در سال ۱۹۰۷ م رسماً عدم دخالت خودشان را در کارهای داخلی ایران به تمام دول اروپا اعلان کردند ، ولی حالا به سبب وقوع بعضی اغتشاشات در ایرانش (روزنامه طمس عمداً بطور اغراق و افراط انتشار میدهد دولتین را مصمم به شکستن عهد خود و قسمت نمودن ایران کرده است !!!

ایران محتاج به پول است و مسیو نیکولسون این حوادث را سوء استعمال کرده میخواهد استقلال ایران را بکلی از میان ببرد . دو تئین روس و انگلیس از طرف دولت فرانسه هم که (الان تقریباً همین پلتیک را با عنایتها پیشنهاد کرده و میخواهد او را به خفقان مالیه دچار نماید) آسوده خاطر هستند ، میگویند ایران پول خواهد داشت در صورتیکه خود را بکلی تسلیم روس و انگلیس نماید ، و عنانی نیز موفق باستقراض خود با فرانسه خواهند شد هرگاه در کارهای راجعه بایران بی طرف بماند ، هیچ کس از این حرص و اشتهای بزرگ دولت انگلیس و وجدان پاک او متعجب نیست ؛ دولت دموقرات انگلیس اگر بتواند از مرگ یک پیچاره فایده ببرد او را با کمال بی رحمی میکشد و هیچ عهدنامه در مقابل آن حرکات او اهمیت ندارد در صورتیکه خیال استیلا و غلبه در سر داشته باشد با دولت مستبدی مثل روس منفق میشد برای اینکه خیالات حربیانه خود را از پیش برده خودخواهی قدیم انگلیس کم کم نمایان میشود ، جوابی را که دولت ایران به مراسله قطعی آلمان (التی مینم) انگلیس خواهد داد از حالا میتوان پیش بینی کرد و این خواهد بود که (باعث اغتشاش حالیه وجود قشون خارجه در ایرانش و بی بولی است و سبب خنق مالیه هم شروط غیرقابل قبولی است که روس و انگلیس برای قرض که ایران میخواهد بکند و در مقابل این شروط نخواهد خودش را بفروشد میباشد) بجهت سرکوبی اشرار و یانی های ایران دولت محتاج به پول است و دولت انگلیس این مسئله

را باید بخوبی بداند ، تمام مطالبی را که ذکر کردیم صحیح است ولی محال امروزی ایران فایده ندارد بواسطه اینکه تقدیرات او در لندن و پترسبرگ مقدر و معین شده است ، دولت انگلیس ایران را نسبت به مصر و هندوستان یک اقمه کوچکی در سفره خود تصور کرده و اهمیتی باینکه دول اروپا در مقابل این فشار و رفتار او چه خواهند گفت نمیدهد ، ولی این قدر باید بداند این امتحان را که درباره ایران میخواهد بکند برای او نا قیمت خیلی گزاف ملیونها ، و ریختن خونهای زیاد ، فدا کارهای بسیار و نقصان اعتبار و نفوذ او در هندوستان تمام خواهد شد ، و برای خود تولید یک درد سر عمده میباشد که قوت او کنایات این درد سر را نخواهد کرد ، و بعلاوه یک تخم اختلافی هم مابین خود و دولت روس که منجر بحکامت عمومی خواهد شد بکارد ، ایران در مقابل این حرکات با یک حرارت و حسارت نومیدانه خود را دفاع خواهد کرد و جان خودش را خیلی گران خواهد فروخت (روزنامه نایه فرایه برمه مینویسد)

پیش بینی ما در خصوص جوابیکه دولت ایران به التی مینم انگلیس خواهد داد درست بود ، خلاصه جوابیکه دولت ایران بدوات انگلیس داده اینست که (سبب وقوع اغتشاش در ایرانش و خود قشون خارجه در ایران است اگر دولت انگلیس موافقت باضافه صدی ده بکمکات بکند با وجهی که قرض خواهد کرد میتواند نظم کامل بایران بدهد و ابدأ نمیتواند سرپرستی و مداخله صاحب منصبهای انگلیس و غیره را قبول نماید)

لندن ۱۷ - اخبار طاب ابضاحات بابعالی از پترسبرگ در توقف عساکر روس در ایران و نگارشات روزنامه های ترکی که تسبیق و اصلاح ایران مقتضی منافع ترکیه میباشد مطبوعات اینجا مستهزانه موضوع بحث میکنند ، وضماً مینویسند که این قبیل مطالعات روزنامه های ترکی خیلی بیجا است چونکه عساکر عنانی خودشان در اراضی ایران متجاوز بوده و حال آنکه برای رفع نزاع موافق اینست که تحدید حدود اجرا نمایند

لندن ۱۸ - از طهران روزنامه طمس مینگارند که حکومت روس باحداث یک جنرال قونولگری

قرار داده است و با موریت مزبور هم مسیوبوشینتوف جنرال قونسول سابق تبریز تعیین خواهد کردید، موسی الیه چونکه منظور تمام ایرانیان است انتخاب وی حال و موقع حاضر را زیاد تر خطرناک خواهد کرد.

لندن ۲۱ - موافق اخباریکه با اداره حکومت رسیدم دولتین آلمان و اطریس مشغول مذاکره در خصوص ایران هستند و در این خیال میباشند که که رعایه مداخلات دول خارجه در کارهای داخله ایران برونست راجع بمداخله وجود قشون روس و انگلیس در ایران خواهد بود

طهران ۲۴ - سپهبدار با سردار اسعد عقداشلاف کرده اند، مجدداً به تشکیل کابینه انتظار میشود صورت توجه مخطر است که از جانب (کمیته سعادت ایرانیان برباست پارلمان) انگلستان فرستاده شده که در اجتماع (آی.ه. خوانده گردد)

(شماره ۴۸)

ایرانیان از سه سال باین طرف اصول اداره مشروطیت و حریت را که ما خود ازان مهد حریت و عدالت است در اجرا و تطبیق بمملکت خود همه گونه جانبازی کرده و از هیچگونه مجاهدات قهرمانانه فروگذاری نکرده اند ایرانیان را در این حرکات آزادانه خود چشم یارائی و پشت گرمی از آن مهد حریت بوده و آنان را بر خود طرف اعتماد می بنداشتند. و از اینرو ایرانیان چنان میدانستند حیللهای اجاب که موجب تولید مشکلات حکومت و بگانه سبب اغتشاشات داخلی بود و این همه صرف مساعی و مجاهدات ملت ایران را که بی نتیجه و عقیم میگذاشت در پیشگاه اعضاء پارلمان انگلیس معلوم بوده است و نظر باین اعتقاد در تسویه همه گونه مشکلات معاشرت ملت انگلیس را در خواست بوده و چشم امید داشتند. مع الاسف همه این امیدواریهای ملت ایران را نوطه حکومت انگلیس مبدل به نومیدی کرده و باعث قطع امیدواریها گردید در این هنگام تاریخ باشرف ملت اسکلیس را بوکلاء عالیجناب آن ملت قدیم انگلیس تذکار نموده و خواهانیم که باطهار ناروا و عدم تصویب این حرکت حکومت صدق و درستی تاریخ مشعش خود را به جهانیان

انبات و آشکار فرمائید.

هواره این حرکت منافی عالم انسانیت و مغایر اوامر الهی بوده و جز از استاج ریخته شدن خون چندین میلیون نفوسی که ترقی و زندگی را در عالم خوانمان هستند و تماماً جز از خرابی يك قوم پنج هزار ساله چیز دیگری را منتج نخواهد شد

روزنامه صباح می نگارد که حکومت عثمانی از اردوی ششم (بغداد) منرزه های قوی ترتیب و بایران سوق نموده است - عساکر مذکور ارومیه و حوالی کرمانشاه را اشغال کرده اند مقصد از فرستادن عساکر بایران فقط محافظه شهبندر خانه ها و اتباع دولت عثمانی است. و از جانب دیگر هم بنا بطلب حکومت ایران به قصبه ماکو که در طرف شمال غربی ایران واقع است عساکر عثمانی فرستاده شده است - همین عساکر برای دخول اشقبای از ایران بخاک عثمانی مانع خواهند شد - ولی نرزه که بایران فرستاده شده چونکه از مقدار طلب حکومت ایران خیلی بیشتر بود حکومت ایران در نزد بابعالی اختلالات دوستانه احرا نموده است -

روزنامه (نؤلو) غوص می نویسد که هر وقت حکومت ایران موفق باخراج قشون روس بشود بابعالی هم عسکر خود را پس خواهد کشید

نقل از روزنامه شریفه اخوت

(منطبعة رشت)

(قلم چه میگوید)

قلم میگوید من از دوده شجره طیبه آن نخستین قلمی هستم که موجد وجود و عدم و خالق تون والقلم در عرش اعظم او را مقابل لوح بروی کرسی در حضور حضرتش نهاده و خود با کمال عظمت و جلالت و جبروت بر کرسی قدرتت استقرار فرموده هر آنی که توجه خداوندی و اراده الوهیتت علاقه می گیرد در مملکت اعلی به یکی از ملائکه مقربین که کاتب وحی و حافظ لوح مقدس است امر میفرماید که بقدرت کامله من قلم برگیر و فلان حکم را بحکم خلق الله آدم علی صورته بجهت مقام و آسایش نبی آدم و بجهت آرایش و نظام عالم در لوح تقدیر ما ثبت و ضبط نما تا در مقام خود پس از امر بر حسب اقتضا بموقع اجرا خواهد رسید.

آن وقتیکه بحکم مقدرات و باسر و فرمايش قضا
جریان سلطان منان از عالم و جوب با بدایره امکان
گذاشتم. از آنجائیکه همیشه آب و تاب ریشه وجود
من از آن سرچشمه حقیقت و از آن منبع منوبیت
و شاخ و برم بسته بانسان آن شجره طیبه بوده
و هست. به مقتضای شرف انتساب منوی از کرم
حضرت ربانیم به آب قلم حقیقت شیم داشتم. به
بجهت خود و جریان احکام و اوامر حق خود
همواره محترماً سرا بدست مقدس انبیای ام و اولیای
معلم و سلاطین مکرم سپرده. هم بواسطه اصالت
ذات و نجابت صفت طیبه که در من خلق شده
بود از احکام حق مرسلین و ارقام مطاعه مقننین و
سلاطین عادل و سایر منصفین عالم که بتوسط ملکات
واسطه خودشان امر بچشم و از چشم بدست و از
دست شان بقلم میشود سر بیجان نباشم. و هم از
شرافت و سعادت احکام نافذ و ارقام صادره و
خطوط حق حفظ و نصیبی برده باشم.

این است شرف من. این است سعادت من. این
است قرب من. این است منزلت من. از بدو خلقت
تا کنون اگر من واسطه ارسال کتب مرسلین و احکام
مشروعه نبی و قانون موضوعه حکما و سلاطین
نبودم. هر آینه رشته نظام عالم و حبل مدار
زندگانی منی نوع آدم از هم گسیخته و روی هم
ریخته بود. نوع انسان بهمان وحشیت و بربریت که
از ابتدای خلقت مانند جانوران صحرائی داشتند و
زندگی می کردند باقی مانده بودند. اصلاً هیچ کتاب
و قانون و علم و تاریخ در عالم قدم نمی گذاشت و
وجود نداشت. ابداً اثری از آثار صنعت و تمدن
که حیات طامریه و باطنیه انسانی بسته باوست ظاهر
نبود و بجا نمی ماند. اگر قلم نبود کتاب نبود.
اگر کتاب نبود قانون نبود. اگر قانون نبود
تمدن نبود. اگر تمدن نبود تاریخ نبود. اگر
تاریخ نبود سرمشق نبود. اگر سرمشق نبود علم
نبود. اگر علم نبود نظم نبود. اگر نظم نبود صنعت
نبود. اگر صنعت نبود ثروت نبود. اگر ثروت نباشد
آبادی نیست که هیئت جامعه انسانی بتواند مرفه الحال
زیست و آسایش نماید. اگر قلم نبود تمام حیثیات
علمی و قانونی عالم را از چندین هزار سال قبل تا کنون

(چون که اندر در دست داری قناد)

(لا جرم منصور و داری تساد)

آه آه !! از وقتیکه من زمان بریده بدخترانه
در دست ظالم ملک عالم خاصه در دست جبرال
ایران افتاده ام همواره سر شکسته و سر گردام.
دمی نشد که سر بلوا بچی بگذارم که آلوده باغراض
نفسانی نباشد و باست پریشانی نوع انسانی نگردد.
ساعتی نمی رود که قدم در سفایحی بگذارم که
آعشته بافکار شهوانی نباشد و مورت سگ دماغ
و اتلاف نفوس هتک ناموس و هدم شرافت نگردد.
روزی نشد که در عرصه اوراق دردناک بجای اشک
خون بریزم. شی نیامد که در دفاو سوزناک دود
از سرم بر بخیزد.

(آتش به بی قلم دو قناد)

(این دوده که میرود دغان است)

آوخ. آوخ !!! که آبی سر براحت به هشتم.
و زمانی کلام سعادت نوشتم - روزی بخط عدل
نیافتادم و شی بسیر قانون رو نهادم.
ایکاش من می شکستم. و قدم در این ملک
نمی گذاشتم. و در دست هر جاهل طماعی نمی افتادم
ایکاش این سیه روزان من و وسیاه را آلت اجرای
مقاصد فاسده خود قرار نمی دادند. ایکاش بانبره
من سر بوسیده دلمای مذقیر را یاره یاره نمی کردند.
ایکاش بقوه من زبان بریده قلوب متحدین را شرحه
شرحه نمی نمودند.

مکتوب کرمان

جی از اهالی میگویند ایران اعنی وطن عزیز ما اقراض یافته و از همین است که همسایگان بسجده در سرحدات خود (که تنسیم نموده اند) نفوذ خود را زاد می نمایند، قونسول اصفهان عاجلاً در یزد آمده بیرق خود را می افزاید زیرا که دیدد در ایران بیرق نیست پول نیست، اتفاق نیست، غیرت نیست، مرد نیست، قحط الرجال است، دین نیست، حب وطن نیست، دین آنها مداخل، رشوه، دزدی است نمونه آنها دیده شد تربیت شده ما آمدند سی هزار تومان مداخل بردید در صورتیکه مردم را از بناهندگی خارجه ملامت میسکه دند خود بناهنده شده بالاخره روانه شدند، حکومت بهارلو دیده شد راه و رخته ملک را یاد گرفته باراج آمدند، شهرت ورود بختیاری ما نه چنان اهالی را ابدوار و خورسند نموده بود سکه به تحریر گنجد چشم انتظار همه باز، لاکن قریب بیست هزار تومان بموجب حواله وزیر مالیه و بیست هزار تومان در چند روزه حکومت خودشان زور بلزو از م سیرجان کرمان رفسنجان غارت کردند خدا ترحم کرد که تشریف بردند والا تا آخر سال مدوالدوله بتدبیر تمام کرمان را جارو ها و بارو ها میکرد لاکن همه نصیر از بختیاری بهارلو و متمدن نیست چون تمام دزدهای خانگی و ضباط و عمال و غارت گران قدیم مصدر کار میباشند خود آنها این حکام را وادار نموده تقدیم داده سوار گرفته بردند رعیت را تاراج نمایند، حکومت بختیاری معزول شد هرکس قبض داده بود گرفت و رفت طالبات حومه را از رعیت بیچاره با نهایت سختی و عمل جاراه بقم داد عمه استیفا گرفته بکدینار بدرد این ملک مخورده حتی تمام عمارات دولتی و اراک حکومتی خراب پارسال پنجهزار تومان خرج تعمیر داشت امسال ده هزار تومان این زمستان بگذرد تمام بایر و تپاه، صد هزار تومان خرج خواهد داشت حتی باغ نظر که مقر ایالت است آب او را انجمن ایالتی در هشتصد تومان اجاره داد که آب را در خود باغ های دولتی زراعت نموده وجه او را بدرد تعمیر عمارات بزنند ولی بد بختانه تمام اشجار خشک و آب را به خانها و باغچه های عرض راه فروخته اجاره آن معلوم نیست چه شد و که خورد، حساب دخل نمک و تریاک و

لبان داری با کرام الکاتبین است، عدلیه که از اسائن دولت مشروطه میباشد حالت را اخبار نگاران نوشته و گفته اند چون ملجاء و بنامی برای مردم نیست همه بتونسواخانه ها پناه میبرند و آسوده می گردند اهالی به رحم دارند نه شرف می فهند نه میل بامنیت دارند، انجمن ایالتی قادر نیست رفع ظلمی نماید قانونی نیست نظارت نمایند، لذا سه چهار نفر از وکلا سکه فرضی جز خدمت ملت نداشته وقت خود را غنیمت دانسته استعفا نموده، اگرچه عموم وکلا مبری از غرض میباشند انشاء الله اگرچه خدا نخواهد مشغول انتخاب میباشند، تا ده هزار تومان تفنگ و فشنگ بخریده دو قوج سر باز و بانصد سوار بادار در خود کرمان مهیا نه نمایند و صاحب منصب آنها رزمی نباشد امنیت محال است، موقع بلوچستان امروز است حرفی از فرستادن قشون نیست، مجدد بلوچ محبه غارت م و رمانیر و خبیص حرکت کرده تلگرافا خبر رسیده جلوگیر نیست مگر بحرف

از این است که جی میگویند هر قومی بر این ملک حکومت نماید و امنیت بدهد و این مکروب های طاعونی را قلع و قمع نماید خوب است و بهتر از این اشخاص است که بکلی یای بند هیچ چیز نمی باشند جز پول و مداخل چیزی مدنظر ندارد امید مردم بایلات بود که معلوم شد نفاق آنها را تمام خواهد کرد اغلب بدزدی شرف ابرائیت را باخته امروز نمیگذارند ایلی صاحب تخت و تاج گردد خاصه با این اعمال زشت بخصوص که ثلثی از مردم مخصوص سی دارند که ابران را بخارجه سیارند بدون رشوه گرفتن و دخل بردن حامی و اسباب کار میباشند این است حال این ملت حشرات الارض هجوم اهالی یزد و سوختن و شکن تاپلای انجمن ولایتی شاهد است با بودن امنیت و دخل عمده راه یزد و بندر عباس مسدود شده بانصد شتر عطاءاللهی را که باقی مانده بود تمام راه یزد بودند سارقین عرب و بهارلو تاراج کردند قهر و قافه ملت را احاطه نموده در اینصورت که در مرکز نیز حسابی نیست هزار تلگراف از خرابی کرمان و حالت بلوچستان می نمایند گاه مملکت ابران منحصر بطهران است جواب نمیدهند برعکس تلگراف می رسیده

بول فرستید مطلی حاصل است این است حالت
حکمی که ما امیدواریم ترقی نایم استقلال بهم رسایم
پاترك تجارت فلان دولت را نایم ،

پارسال بواسطه خرابی راه بندرعباس قند در کرمان
تمام شد از اطراف یکبار دوبار وارد می کردند یکس
سه تومان رسید. چهار نفر قالی باف رجاله که از
علاکت بدولت رسیده وجه نقدی بهم بسته بر صندوق
قند هجوم کرده يك کله دو کله بر داشته مثل کله
خر عریده کناف تقسیم میکرد یعنی مشروطه و
حریت را بی افساری و فاش عرق زهرمار کردن
و سر تکب هزار افتخار شدن دانسته. از این است
که روزنامه های روس شکل قندرا کشیده بکنز ایران
بگوشه چشم نگاه حسرت آمیز بند کرده اشک
از چشم و آب از دماغ و دهان آن جاری شده.
خوشحال شدند که کمرک تریاک متقالی سه شاهی شد
در دفعه مشغول کشیدن و افور شده لهذا عرق
غیرت و عصیت آنها را قطع کرده و آنچه نوشته
شد ادا اثری نه بختید زیرا که غیرت و روح
انسانیت این مخلوق قطع و تمام شده. لهم آدان لا
یسعون و اعین لایبصرون - آه، آه، آه، افسوس!
مادر وطن در حالت نزع و بجران افتاده با عدم
پرستاران حاذق و عدم نوشداروی علم و بول با
هجوم مکروب های طاعونی بر جسد آن گاهی ناله
ضعیف می باید که ای فرزندان ناخلف روز من
باخر رسیده لحظه بخود آئید نفاق را بگذارید
دی بر مادر خود بده نمانید بسد از من مدعیان
از جنوب و شمال منتظر غارت شما میباشند خانه و
انبات البیت و ملک، هستی زن، بچه، شرف، نام و ناموس
شمارا میبرند، از یهود دایمل تر خواهید شد قومیت
شما تمام خواهد شد، رهاب و قبیسان دین شما را
که استعداد بی دینی دلرید مبدل به نصرانیت خواهند
نمود، زبان شما مبدل بزبان دولت قانع خواهد شد،
باید ساکما در نزد یهود هنود کنار ساجد باشید ،
زیرا که جاهل هستید روزگار مدعیان را مجرب
کرده باب علم را بر شما مسدود خواهند کرد که
مثل اهالی ترسوال و مردم اسریکا بعد از صدسال
مطالبه حقوق حریت خودرا نمانید، زیرا که ایران
جهیت ندارد، همسایگان دلال کناس فعله لازم دارند،
علیهی شما جز ناز اموات و عقید زوجات اختیاری

ندارند و نخواهند داشت ، شامزادگان و اعیان مثل
جهان بناهان مند و شامزادگان قفقاز بکناسی و اعمال
بست مشغول خواهند شد. ایلات را مجبور بسکون
در شهرها و روسای آنها را متدرجا گرفته
بقلعه چاران یا سیریا و دریای سیاه حبس ابد
نموده، خطوط آهن بر تمام مجاری و براری کشیده
در ظهور شرارت طرئه عینی توپ های آتش بار
مانند صاعقه آسمانی بر آنها نازل خواهد شد. اگر
صد نفر سوار از آنها بگیرند هر ده نفر از شبری
خواهد بود که اتفاق داشته باشند روزگار مدعیان
مارا خیلی صاحب تجربه ساخته آسیائی باید ابدالدهر
جاهل باشد که هرگز معنی آزادی را نفهمد، دنبال
کم شده های خود نگردد. لاکن ابدأ این ناله دلخراش
مادر وطن را گوش نداده بلکه کاسه های زهر
هلاهل آماده نموده که محلق آن ریزند (اعتصمت
بالله) هم مگر اطب خدا پیش نهد گامی چند

هنگام تاریخ گذشتگانرا در باب اهالی هندوستان
وسایر ممالک مقصود روی زمین ملاحظه میفرمودند
تمام این مطالب را بچشم دیده تصدیق میکردند لاکن
چ. میتوان کرد

(آنکه البته بجائی نرسد فریاد است)

و مردم از عدم داد خواه بهر عنوان خودرا
بخارج بسته که از شر اشرار داخله آسوده باشند.
این است حالت حالیه که امید وطن پرستاران که
حکم کیمیا دارند قطع نموده راه نجات بسته شده
و قلم مخبرین خسته از کار افتاده دیگر کسی حال
نگارش اخبار نیز ندارد چنانچه از مشهد نیز همین
ناله بلند است شیراز که جای خود دارد یزد و
کاشان حالت معلوم است جز راه آسمان راهی
باقی نماند

قابل ملاحظه وزارت داخله

اینکه در شماره ۱۸ در تحت عنوان بندر تسکه
شرحی بابت چند جزایر خلیج بی صاحب فارس و
عدم توجه اولیاء امور درج بود با یک عالم تاسف
و ملال ملاحظه شد. چون حقیر بعد از فراغت از
تحصیل بومن عزیز مراجعت نمودم از احوالات و
جغرافیای اغلب بلاد و جزایر خلیج مطلع و بعضی ها
را معاینه کردم. الحاق چند ووزاست که از بحرین
وارد بندر بوشهر شده از احوالات بحرین تمام

شخصی و خوراك و لباس و تعليم خواهد بود. در فرانسه ازین كتر و در آلمان ایتالیا به دو ثلث این میتوان گذران نمود. ولی چون در ایران از السنة اروپائی تعليم زبان فرانسه بیشتر مروج است لابد اكثر طلاب فرانسه خواهند رفت. اما وقتیکه ما دستگاهه ای برای بجه نرده هزار لیرا لازم خواهد شد و اگر يك لیرا را معادل شش تومان فرض کنیم سالی شصت هزار تومان خرج لازم دارد. بنظر حقیر اگر همان بجه نرده شاگرد را بمدرسه العلوم علیگده در هندوستان و منجمه همین بجه نرده نرده را در مدارس بمبئی بجه نده تعليم بگذاریم خرج خوراك و تعليم و لباس شان بی كس از سی رویه الی سی و بجزویه یعنی از دوازده الی چهارده تومان ماهی که در سال از يكصد و بجه الی يكصد و هفتاد و بجه تومان است خواهد شد و برای بجه نده طلبه سالی هفت هزار و باصد تومان الی هشت هزار و هفتصد و بجه تومان خواهد شد که بمقابله شصت هزار تومان مصارف یورپ بطور اوسط از هفت يك هم كتر است. و اگر مصارف سفر یورپ را ما سفر هند مقابله کنیم مخارج آنان بنده ده يك خرج فرنگستان چون در مدارس هند كار كند و کامیاب شوند از آن طلايیکه از همه بهتر امتحان داده عده را انتخاب و فرنگستان بجه نده تعليم قنون مخصوصه فرستاد و چون از مبادی اكثر علوم همین جا واقف شده اند قیامشان در فرنگستان و ما آمريك يا ژاپون چندان مدت نخواهد خواست و زودتر آن قنون و علوم را تحصیل کرده بوطن خود مراجعت خواهند نمود.

در تعليم مدارس هندوستان یعنی علیگده و بمبئی فائده دیگر را نیز از نظر دور نباید داشت. یعنی پس از تحصیل در اول امتحان های یونیورسته دولت ایران از دولت انگلیس میتواند بطور رسمی بذریعه قونسل ژنرال خود خواهش کند که چند نفر شاگردان را بجه نده در ادارات مختلفه دولتی بجه نده آموزش کار دفتر آن ادارات متعین نماید و این امر را باسانی طی میتوان کرد و باین طریق در اندك مدتی عده كثری برای

تثبت امور ادارات ملكی ایران دست خواهد آمد. اگر اعتراض کرده شود که در آموختن زبان انگلیسی مدتی صرف خواهد شد پس همان اعتراض در باره طلايیکه به یورپ در ممالك دیگر غیر از فرانسه فرستاده شود باید و وارد میشود. طلابه ایران که اكثر زبان فرانسه میدانند در اندك زمانی زبان انگلیسی را خواهد یاد گرفت. زیرا که بیشتر از بست و بجه نده لفظ در زبان انگلیسی و فرانسه مشترك است و فرق در تخریب نیست فقط در تلفظ است. مثلاً الفاظ كونسلیسیون و ارگان یسیون و كولژ را در انگلیس كونسلیوشن و اورگان یوشن و كولج میگویند. لفظ و معنی همانست فقط تلفظ فرق میکند. و دانستن فرانسه بسیار موبد تعليم انگلیسی خواهد شد و پس از امتحانات یونیورسته یعنی مدرسه العلوم های بمبئی یا كلكته یا بجه نده اگر فرانسه یا انگلستان فرستاده شوند بجه نده تحصیل علوم و قنون اعلی دقتی نخواهد بود. پس اگر بالفصل باین ترمیمی که بنده پیشنهاد کرده ام ابتدای کار شود نتیجه اش زودتر حاصل خواهد شد. جوش طبایع اهل هند با طبایع ایرانیات بسبب مشرفیت و نیز بسبب اسلام چندات تباینی ندارد نواید كنیره ازین عمر نیز حاصل تواند گردید كه نتیجه اش در آینده بروز خواهد کرد.

از دوات ابد آیت حیدرآباد دکن هر ساله چند نفر از طلاب بجه نده آموزش کار ادارات بصوبه های مختلفه هند فرستاده میشوند و دولت بمبئی انگلیس اینها را بدفاتر مختلفه بجه نده آموزش کار میفرستد و پس از اطلاع یافتن از وضع ادارات باز به حیدرآباد مراجعت میکنند و بدفاتر مختلفه مامور و متعین میشوند و باین طریق دوات حیدرآباد همیشه مردم لایق و كردان برای هر اداره مهیا دارد

پس حال اگر وایمی بین امر قرار گیرد که طلاب را اكثر بنده بفرستند و در مدرسه العلوم علیگده و كالجهای بمبئی تحصیل بکنند بجه نده امور اكثر ادارات ایران زودتر آدم لایق و كار دات میتواند بفرستد و اینها نیز فرنگی مآب نخواهند شد. و قونسل ژنرال دوات علیه ایران

فیرسالی یکدیگر می‌تواند سرکشی از اینها بکند و راپورت
بدولت یا اولیای طلاب فرستد تا آنها نیز از ترقی
و تعلیم جگر گوشه گان وطن مطلع باشند و چون
چند شاگرد زود تحصیل کرده بخانه و اوطاق
خود مراجعت کنند و در ادارات دولتی مستخدم
شوند همین امر پایه تشویق و تحریص دیگران
خواهد شد و بیشتر راعب فرستادن اولاد خود
بجهت تحصیل خواهند گردید ، اگر عده طلابیکه به
علیگده که مدرسه مخصوص مسلمانان است فرستاده
شود زیاد باشند انتظامات مخصوصه بجهت شام و
تیمار و بودباش و تعلیم آنها میتوان نمود و از مصارف
قلیل فواید کثیره حاصل میتوان کرد. در مدرسه العلوم
علیگده شاگردان را اجازت نیست که از حدود
مدرسه خارج شوند همچنانکه در کولجهای اکسفورد
و کبریج انگلستان ، آف رقه مصر فیکه بنده
نگاشتهام یعنی برای هر یک شاگرد سالی سیصد و
شصت تا چهار صد تومان اینقدر رقم جز نیست که
اکثر مردم میتوانند از عهده خرج آن برآیند ،
و برای ایرانیان نیز تحصیل کردن در هند بسیار
آسانتر است تا در فرنگستان و دارای فواید بسیار
است که بعد معلوم خواهد شد. در مدرسه علیگده
تعلیم مذهبی نیز مطابق عقیده شاگردان شیعه و سنی
جاریست ، اگر تعداد معقولی بآن مدرسه از ایران
فرستاده شوند عجب نیت که سر پرستان مدرسه
مزبورہ مخصوصاً همه قسم همسراهی نمایند و آسایش
آنها را همه قسم ملحوظ خواهند داشت. علاوه
چون طلاب را آف آزادی درین مدرسه حاصل
نیست ~~که~~ در یورپ خواهند داشت یعنی اجازت
نمی یابند ~~که~~ از حدود مدرسه خارج بشوند
و اگر بخواهند بیرون روند لابد کسی را همراهشان
میکنند تا مواظب باشد که از صراط مستقیم پیرام
ترفته باشند ، بنظر حقیر این طریقہ بالفعل بسیار
مناسب حال موجوده ایرانست و چیزها که ما لازم
داریم ازین بازار بسیار بکنایت میتوانیم تحصیل کنیم
در آخر عرض میکنم که پس از دادن امتحان
طلاب ازین مدرسه میتوانند شریک مدارس مخصوصه
خنی و علمی دیگر شوند مانند طب و جراحی و
زراعت و فلاحت و مهندسی و فورستری یعنی علم
حصرا داری و غیره ، انشاء الله متعلق بخواهد دیگر

لا بحة زیر بحث در آتیه افکار و خیالات خود را
ظاهر خواهد ساخت

محمد مهدی از حیدرآباد |

حجرت جبارت روس از وحشی ما است

الاستمد للحرب يمنع الحرب . این معنی از مطالب
حسیه بیش عقلا و کل سیاسین دنیا است که اگر
صلح میخواهی مستعد دعوی باش استقلال و غیرت
میخواهی مستعد جنگ باش ملیت و ثناء قومیت و
بالآخره هزار شرافت دیگر میخواهی حاضر حرب باش
برعکس تمام ذاتها و نکتهای منصوره در دنیا دو تحمل
و فروزی و تبلی و بی وحشی است . تواریخ و حسیات
هر روزه دائماً حال اقوام بی حسی و باحس را برای
ما نقل کرده سعادت و بدبختی آنها را ما یک صورت
قابل الاعتباری با نشان میدهند فی الحقیقه آدم باشعور
از این حوادث خیلی درسها میخواند ، و دقیق مشکه
را یاد میگیرد (کره) تا دیروز سلطنت داشت
(فنلاند) مستقل بود ، اسپانیا امپراطوری بود اینها
چه طور شدند ؟ کجا رفتند ؟ اف بر بی حسی (قره
طاغ) (یونان) و . . . و . . . سایر امارات دیگر که
از مرتبه امارت و تعیین مقام سلطنت و استقلال
رسیدند چه جهت داشت (رژیان) و (باتلبان)
آسمانی به آفیسری و گامدانی جبریل و میکائیل آنها
را تأیید کرد و باین مقام رسانید ، من نمیدانم
ولی قرآن شریف میفرماید (لیسرالاسان الاماسی)
پس مرا و مرحبا بر توای حسی بیدار اهلاً و سهلاً
ای حسی بیدار کجائی ؟ چرا از وطن عزیز
ما هجرت کرده ؟ چرا لحظه در برادران ما خودمانی
نمیکنی ؟ هی افسوس هی افسوس !!! ای برادران عزیز ،
ناموس طبیعت قابل تغییر نیست جاذبیت کل جزء را
ضروری است ، نفاق و جهالت شما و مملکت شما در
مقابل کوههای عظیم اتفاق و تدبیر از ذره هم کمتر
کرده برای این جادب بزرگ هیچ مانعی نمانده
مگر یکی حایل کوچکی و آن را هم با دستهای
خودتان با کلنگهای نفاق و اغراض فاسده دارید
از میان بر میدارید و حتماً امجداب خودتان را
صورت خارجی میدیدید ، ای مسلمانان سبلهای
عظیم اسلام کن بر بلاد و معابد شما متوجه شده و
عقرب حال اسپانیول را پیدا خواهید کرد ، مذهب
شما به نصرانیت مبدل خواهد شد ، شما را بقبول